H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
چهارشنبه | ۱ مرداد ۱۴۰۴ | شماره ۴۱۰۵
۸ صفحه | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

گزارش میدانی از آتش‌سوزی‌هایی که به جان نخلستان‌های آبادان افتاد

دود، آتش و نخل‌های کمرشکسته

مردم آبادان در غم سوختن بیست هزار نخل به سوگ نشسته‌اند

صفحه ۶

قیمت‌گذاری عجیب اینتر و بازار سرد

طارمی در بن بست هشت میلیون یورویی

صفحه ۷

عمو و برادرزاده اتهام قتل مرد همسایه‌شان را به گردن یکدیگر انداختند

گره کور در پرونده قتل گدای میلیونر تهرانپارس

صفحه ۶

روایت خودروهایی که خریدارانش را می‌خورند

از پلاک خودرو تا پله‌های دادگاه

در کشوری که سالانه میلیون‌ها معامله خودرو انجام می‌شود، هنوز هزاران خریدار نمی‌دانند چطور قبل از استارت زدن، خیالشان راحت باشد

صفحه ۲

الزام معرفی چند ضامن، وثیقه ملکی، فیش حقوقی برای دریافت وام‌های خرد

وام‌های بانکی آن‌سوی باجه‌ها می‌مانند

شرایط دریافت تسهیلات بانکی در ایران، البته به‌قدری پیچیده و سخت‌گیرانه است که بسیاری از متقاضیان در همان مراحل اولیه ناامید می‌شوند

صفحه ۲

گفت‌وگوی اختصاصی با نویسنده تاثیرگذار ایرانی که سال‌هاست در غربت می‌نویسد و می‌گوید

شهرنوش پارسی‌پورم، ۷۹ ساله. همین!

آینده نویسندگی در ایران را بسیار درخشان می‌بینم صفحه ۵

یادداشت

به بهانه گفت‌وگوی تلویزیونی عباس عراقچی با شبکه فاکس‌نیوز

آقای وزیر! مترجم بگیرید

عباس عراقچی در گفت‌وگو از حقوق هسته‌ای ایران دفاع کرد و از سلامتی رهبر انقلاب خبر داد

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در گفت‌وگویی با شبکه فاکس نیوز که توسط برت بر، مجری سرشناس این شبکه، اجرا شد، به تشریح مواضع ایران درباره برنامه هسته‌ای و روابط با ایالات متحده پرداخت. او با تأکید بر اینکه راه‌حل نظامی برای حل اختلافات بر سر برنامه هسته‌ای ایران بی‌نتیجه است، اظهار داشت که تهران آماده مذاکره برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک است. عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره توقف برنامه هسته‌ای ایران، با قاطعیت گفت: «غنی‌سازی اورانیوم دستاورد دانشمندان ایرانی و بخشی از غرور ملی ماست. ما هرگز از این توانمندی دست نخواهیم کشید.» او همچنین به خسارات وارد شده به تأسیسات هسته‌ای ایران در پی حملات نظامی اخیر اشاره کرد و این خسارات را «جدی» توصیف کرد. به گفته عراقچی، برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران به دلیل این صدمات موقتاً متوقف شده و سازمان انرژی اتمی ایران در حال ارزیابی دقیق میزان خسارات است. نتایج این ارزیابی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه خواهد شد.

پاسخ تند ترامپ؛ تأیید ادعای «ویرانی» تأسیسات هسته‌ای

دقایقی پس از بخش نخست این گفت‌وگو، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در شبکه اجتماعی تروث سوشال به سخنان عراقچی واکنش نشان داد. او با اشاره به اظهارات وزیر خارجه ایران درباره خسارات «جدی» به تأسیسات هسته‌ای، نوشت: «عراقچی اعتراف کرد که سایت‌های هسته‌ای ایران ویران شده‌اند. همان‌طور که من گفته بودم و اگر لازم باشد، دوباره این کار را خواهیم کرد!»

مواضع ایران درباره ترور، موشک و گروه‌های نیابتی

در بخش دیگری از گفت‌وگو، عراقچی به پرسش‌هایی درباره اتهامات مربوط به برنامه‌ریزی ایران برای ترور مقامات آمریکایی، از جمله دونالد ترامپ، پاسخ داد. او با رد این اتهامات تأکید کرد: «ایران هیچ‌گاه سیاست یا برنامه‌ای برای ترور مقامات آمریکایی نداشته و نخواهد داشت.» وی همچنین درباره سلامت رهبر انقلاب ایران گفت که در روز مصاحبه با آیت‌الله خامنه‌ای دیدار کرده و ایشان در سلامت کامل به سر می‌برند. عراقچی در مورد برنامه موشکی ایران نیز قاطعانه اظهار داشت که این برنامه بخشی جدایی‌ناپذیر از توان دفاعی کشور است و ایران هرگز آن را متوقف نخواهد کرد. او با اشاره به جنگ ۱۲ روزه اخیر با اسرائیل، مدعی شد که زرادخانه موشکی ایران همچنان در وضعیت مطلوبی قرار دارد و افزود: «موشک‌های ما صرفاً دفاعی هستند و هرگز به کلاهک هسته‌ای مجهز نخواهند شد.»

اهمیت دیپلماسی دقیق در صحنه جهانی

گفت‌وگوی عباس عراقچی با فاکس نیوز و پاسخ سریع دونالد ترامپ به آن، نشان‌دهنده حساسیت بالای موضوع برنامه هسته‌ای ایران و روابط تهران-واشنگتن است. استفاده از مترجم همزمان می‌توانست به عراقچی کمک کند تا با دقت و آرامش بیشتری به پرسش‌های مجری پاسخ دهد و از هرگونه سوءتفاهم زبانی جلوگیری کند. با این حال، این گفت‌وگو بار دیگر بر اهمیت دیپلماسی و مذاکره برای کاهش تنش‌ها تأکید کرد، در حالی که پاسخ‌های تند ترامپ نشان‌دهنده ادامه چالش‌ها در مسیر گفت‌وگوهای بین‌المللی است.

تکیه

چرا مترجم همزمان یک ضرورت است؟

در گفت‌وگوهای بین‌المللی با بار سیاسی و دیپلماتیک بالا، استفاده از مترجم همزمان فراتر از یک انتخاب ساده، به یک ضرورت استراتژیک تبدیل می‌شود. این ابزار به مقامات اجازه می‌دهد تا با تسلط کامل بر زبان مادری خود، پیام‌هایشان را با دقت، وضوح و اطمینان بیشتری منتقل کنند. حتی افرادی که به زبان خارجی تسلط دارند، در برنامه‌های پرمخاطب و حساس مانند گفت‌وگوهای تلویزیونی بین‌المللی، اغلب ترجیح می‌دهند از مترجم استفاده کنند. این کار نه‌تنها خطر سوءتفاهم‌های زبانی را کاهش می‌دهد، بلکه فرصتی برای تأمل و پاسخ‌گویی با طمأنینه فراهم می‌کند. مترجم همزمان به فرد امکان می‌دهد تا به‌جای تمرکز بر پیچیدگی‌های زبانی، بر محتوا و استراتژی پاسخ‌های خود متمرکز شود. این موضوع به‌ویژه در برابر مصاحبه‌کنندگانی که زبان مادری‌شان زبان گفت‌وگو است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا تکلم به زبانی غیرمادری می‌تواند فرد را در موقعیت ضعف قرار دهد و بر اعتبار و تأثیرگذاری او اثر منفی بگذارد. نمونه‌های تاریخی، مانند گفت‌وگوی پرتنش ولودیمیر زلنسکی با دونالد ترامپ، نشان می‌دهد که عدم استفاده از مترجم می‌تواند به سوءبرداشت و حتی تشدید تنش منجر شود. در چنین موقعیت‌هایی، مترجم نه‌تنها یک تسهیل‌کننده ارتباط است، بلکه ابزاری برای حفظ اقتدار و دقت در انتقال پیام‌های دیپلماتیک به شمار می‌رود. اصرار وزیر ایرانی به سخن گفتن به زبان انگلیسی تصمیمی است که نه فقط به‌لحاظ فنی پرخطر است، بلکه در زمین بازی دیپلماسی، فرد را در موضعی نامطمئن و آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. استفاده از مترجم همزمان فقط به روانی سخن گفتن بازنمی‌گردد، بلکه فرصت فکر کردن، انتخاب کلمه مناسب و پرهیز از لغزش‌های احتمالی را فراهم می‌آورد.

همراه با تحریریه هفت‌صبح اخبار و گزارش‌ها را آنلاین پیگیری کنید.

شناسه آگهی : ۱۹۶۹۵۲۴

فراخوان تجدید (۱) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی کانون ارزیابی شایستگی‌های مربوط به مشاغل عمومی برای داوطلبین در آزمون استخدامی گمرک ج.ا.ا

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارائی
گمرک ایران

م الف ۱۴۵۰

رجوع به صفحه ۴

گزارش

تهران، در میانه بحران‌های بی‌پایان و بی‌تدبیری مسئولان

انگشت اتهامی که هرگز سوی مسئولان نمی‌رود!

تهران، در تیرماه ۱۴۰۴، دیگر آن کلانشهر شلوغ و خسته همیشگی نیست، حالا صدای بی‌آبی از پشت درهای بسته خانه‌ها و لوله‌هایی که در ساعاتی از شبانه‌روز آب ندارند به گوش می‌رسد. در برخی خانه‌ها برای ساعت‌ها آب نیست در برخی دیگر، آب فقط با زور پمپ بالا می‌آید یا حتی گاه بالا نمی‌آید، حتی با پمپ. حالا مسعود پزشکیان می‌گوید امکان بقای تهران به عنوان پایتخت وجود ندارد.

در همین روزهای گرم، که دمای تهران به مرز ۴۰ درجه رسیده، وزارت نیرو هشدار داده که «سد ماملو» تا چند هفته دیگر ممکن است کاملا خشک شود. . اگر سدها خشک می‌شوند و آب در دسترس نیست، پس چه راهی می‌ماند؟

تهران؛ روی لبه تیغ

گزارش‌های رسمی می‌گویند تنها ۱۴ درصد از ظرفیت مخازن سدهای تهران پر است. عددی که به‌تنهایی می‌تواند زنگ خطر را برای هر دولتی به صدا درآورد. اما آنچه تهران را به وضعیت بحرانی کشانده فقط کم‌بارشی و تغییر اقلیم نیست؛ بلکه نبود تدبیر در سیاست‌گذاری، وابستگی سنگین به منابع سطحی، بی‌توجهی به اصول توسعه پایدار و البته، واگذار کردن مسئولیت به مردم، بدون بازخواست از نهادهای بزرگ و تصمیم‌گیر است. مدیران آب می‌گویند جیره‌بندی نداریم، فقط فشار آب را کاهش داده‌ایم. اما در بسیاری از خانه‌ها، حتی به طبقه همکف، آب نمی‌رسد. مردم، در گرمای ۴۰ درجه ناچارند پمپ و مخزن بخرند، تا مبادا بی‌آب بمانند. اما آیا وظیفه تامین آب شرب یک شهر ۹ میلیونی، باید به خرید شخصی مخزن واگذار شود؟

همیشه مردم گناه‌کارند، مسئولان خوبند!

دولت، در تمام اطلاعیه‌ها و سخنرانی‌ها، یک جمله تکراری دارد: «صرفه‌جویی کنید.» یا اخبار را به گونه‌ای منتشر می‌کنند که کمبود آب را به دوش مردم بیاندازند. گویی مشکل فقط دوش گرفتن‌های طولانی یا کولرهای آبی است. در حالی که طبق آمارهای رسمی، آب شرب و بهداشت کمتر از ۱۰ درصد آب استحصالی کشور را تشکیل می‌دهد و بیش از ۷۰ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود؛ آن هم کشاورزی‌ای که بازدهی آن بارها زیر سوال رفته است. در واقع، دولت برای جبران ناتوانی در ایجاد اشتغال پایدار و ساماندهی بودجه عمومی، منابع آبی را فدای بحران اشتغال و تولید کشاورزی کرده است، همان آبی که اکنون به ته سدها رسیده. اما به‌جای اصلاح سیاست‌های کلان، همواره توپ را به زمین مردم می‌اندازد. صرفه‌جویی فرهنگ و سبک زندگی است که می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد اما راه‌حل اصلی نیست.

فرسودگی شبکه؛ میراث بی‌توجهی

شبکه آب تهران ۲۱ هزار کیلومتر طول دارد و برخی از لوله‌های آن بین ۵۰ تا ۷۰ سال عمر دارند. سخنگوی صنعت آب می‌گوید بخش عمده‌ای از مشکل، ناشی از همین فرسودگی است. به گفته او، اگر فشار آب را بالا ببریم، شبکه دچار نشتی می‌شود و سالانه ۸۰ میلیون متر مکعب آب هدر می‌رود. راه‌حل دولت؟ کاهش فشار آب و تقویت سامانه ۱۲۲ برای رسیدگی به شکایات! شکایاتی که هرگز به پاسخی نمی‌رسد. این حجم از بلندمرتبه‌سازی در تهران نتیجه سیاست‌های غلط گذشته است. مسلما وقتی بلندمرتبه سازی صورت می‌گیرد لاجرم باید فشار آب را افزایش داد تا آب به استخر پنت‌هاوس آخرین طبقه از برج ۲۵ طبقه‌ای در شمال تهران هم برسد اما افزایش فشار آب به معنای افزایش نشتی بیشتر و ترکیدگی‌های جدید است. و این سیاست‌های «پت‌ومتی» است که امروزه گریبانگیر شهر و کشور شده است. حالا که بحران به این مرحله رسیده است تازه می‌خواهند همان فشار آبی را کم کنند که قبلا برای آبرسانی به بلندمرتبه‌ها افزایش داده بودند. اما مردم از راه‌حل نمی‌گویند؛ از خستگی می‌گویند. از اینکه با وجود نصب مخزن و صرفه‌جویی، باز هم آب ندارند. گیریم همه مردم هم مخزن خریدند و پمپ نصب کردند، باز دوباره به همان خانه اول باز می‌گردیم. چون وقتی همه پمپ دارند و باز هم آب نیست، پمپ و مخزن به چه کار می‌آید. این در واقع دعوت کردن مردم به رقابت برای غارت آب است. مردم از این وضعیت کلافه‌اند از اینکه هیچ‌کس از پیش، قطعی‌ها را اطلاع نمی‌دهد. از اینکه احساس می‌کنند تنها مانده‌اند، زیر آفتاب، در برابر تشنگی.

گرما و اشعه؛ فشار مضاعف بر زندگی

در همین حال، یک بحران دیگر هم در راه است: تابش اشعه فرابنفش (UV) در روزهای اخیر در برخی مناطق کشور، از جمله تهران، به سطح «بسیار خطرناک» رسیده است. شاخص این تابش از عدد ۷ تا ۱۰ عبور کرده؛ رقمی که می‌تواند سلامت پوست، چشم و حتی عملکرد ایمنی بدن را مختل کند. کارشناسان هشدار می‌دهند بین ساعات ۱۰ صبح تا ۴ بعدازظهر در معرض تابش مستقیم آفتاب قرار نگیرید. اما برای بسیاری از مردم، گزینه‌ای وجود ندارد. چه کسی می‌تواند در این دمای ۴۱ درجه، هم بی‌آبی را تحمل کند، هم در سایه بماند و هم کار و زندگی‌اش را اداره کند؟

افسانه‌ای که حقیقت شد

کم‌بارشی، خشکسالی و گرم‌ترین تابستان قرن، همه اینها واقعی‌اند. اما برای بسیاری از مردم، حقیقت اصلی چیز دیگری است: ناکارآمدی مدیریتی. چرا تهران هنوز به منابع سطحی وابسته است؟ چرا قنات‌ها و سامانه‌های هوشمند سنتی احیا نمی‌شوند؟ چرا هیچ‌یک از نامزدهای ریاست‌جمهوری حتی در کارزارهای انتخاباتی به مسائل واقعی مردم اشاره نمی‌کند؟ کارشناسان می‌گویند ایران، از روزگاران دور، تمدنی سازگار با بی‌آبی بوده. قنات، آب‌انبار، کاریز و همزیستی با طبیعت بخش مهمی از این هوش تمدنی بوده است. اما در دهه‌های اخیر، این سرمایه به فراموشی سپرده شده و جای آن را سدسازی‌های بی‌حساب، پروژه‌های نیمه‌تمام و استخراج بی‌رویه از منابع زیرزمینی گرفته است.

دو هفته تا «آخرالزمان»

یکی از کارشناسان ارشد آب هشدار داده که تنها دو هفته برای پیشگیری از یک فاجعه تمام‌عیار بی‌آبی در تابستان باقی مانده است. او گفته در صورت ادامه این روند، وضعیتی شبیه «آخرالزمان» شکل خواهد گرفت: قطعی آب گسترده، گسترش بیماری‌ها، اختلال در مراکز بهداشتی و فشار روانی شدید بر جمعیت شهری.

درست است که تغییر اقلیم سهم خود را در این وضعیت دارد، اما «سوءمدیریت» یک واژه کلیدی در فهم ریشه بحران است. بی‌توجهی به بارش‌های برفی، عدم احیای آب‌های زیرزمینی، توسعه نامتوازن شهری و البته کشاورزی ناکارآمد از جمله مواردی است که به بحران شتاب داده‌اند.

مردم، آخرین سنگر

در این میان، مردم تنها مانده‌اند. توصیه می‌شود «مخزن بخرید»، «پمپ نصب کنید»، «۸ دقیقه دوش بگیرید» و «روز در میان حمام بروید». اما هیچ برنامه‌ای برای اصلاح ساختار مصرف کشاورزی، اصلاح زیرساخت‌های شبکه و یا توسعه منابع جایگزین ارائه نمی‌شود.

اگر بحران امروز محصول سال‌ها بی‌توجهی است، فردا را می‌توان با اصلاح سیاست‌ها نجات داد. اما این، نیاز به اراده‌ای فراتر از توصیه‌های ساده دارد. نیاز به سیاست‌گذاری واقعی، بودجه‌ریزی شجاعانه و بازگشت به سنت‌های تمدنی ایران در مدیریت آب.

آیا هنوز فرصت باقی‌ست؟

تهران، در میانه تابستانی سخت، چشم انتظار تصمیمی واقعی است. تصمیمی که نه فقط مردم را مقصر بداند، نه فقط بر صرفه‌جویی تاکید کند، بلکه مسئولیت را بر دوش نهادهایی بگذارد که بودجه و قدرت دارند. آخرین فرصتی که برای نجات تهران از بی‌آبی مانده، شاید همین دو هفته باشد.

اگر امروز چاره‌ای اندیشیده نشود، فردا پایتختی که روزگاری در دل کوه، قنات‌هایش می‌جوشید، به شهری بی‌آب، بی‌تاب و بی‌امید بدل خواهد شد.

گزارش

روایت خودروهایی که خریدارانشان را می‌خورند

از پلاک تا پله‌های دادگاه

در کشوری که سالانه میلیون‌ها معامله خودرو انجام می‌شود، هنوز هزاران خریدار نمی‌دانند چطور قبل از استارت زدن، خیالشان راحت باشد

پیام عابدی
هفت صبح

وقتی ماشین آرزوهایت، بلیتی برای دادگاه می‌شود! در بازار داغ خودروهای دست دوم ایران، هر معامله می‌تواند آغاز یک کابوس باشد. هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد ماشین سفید پژو برای حمید این‌طور گران تمام شود. باران به نرمی روی کاپوت می‌ریخت، وقتی قولنامه را توی «کوچه پس‌کوچه»های پایتخت امضا کرد. فروشنده، مردی خوش‌پوش با لبخندی مطمئن بود که می‌گفت: «داداش، این ماشین فقط دست خودم بوده... به ضمانت آبرو!» سه ماه بعد، همان ماشین پژو با شاسی تصادفی و کیلومتر دست‌کاری شده، حمید را تا راهروی شعبه مجتمع قضایی کشاند؛ جایی که بهروز، خریدار دیگری، گوشه نیمکت نشسته بود؛ از معامله‌ای که نصف پولش را با چک کشید و پرداخت کرد و دورتر هم، مریم نشسته بود...

قصه از همان روز بارانی شروع شد. از قولنامه‌ای که در کوچه امضا شد؛ از اعتماد و از کابوسی که هر روز هزاران نفر در بازار خودروهای دست دوم ایران زندگی‌اش می‌کنند.

وقتی همه چیز از یک آگهی شروع می‌شود

صبح جمعه، امیر توی پارک محل قرار ماشین را دید؛ رنگش مثل عکس آگهی برق می‌زد. فروشنده با لحن مطمئن گفت: «موتور سالمه، فقط بنزین بزن و برو!». امیر که چند هفته بود تمام سایت‌های خرید و فروش خودرو را زیر و رو کرده بود، دلش قرص شد. کیلومتر پایین بود، لاستیک‌ها نو، بدنه بی‌خط و خش و دست آخر، وقتی پای قیمت به میان آمد ناچار بود چانه بزند اما در نهایت قولنامه نوشتند و به این ترتیب بود که حمید صاحب خودرو شد با هزار امید و آرزو و سفرهایی که گمان می‌کرد با این ماشین می‌رود یا کاسبی‌ای که فکر می‌کرد با این خودرو انجام می‌دهد.

رازی زیر کاپوت نهفته بود

سه هفته بعد، موتور ماشین صدا داد. مکانیک گفت: «این ماشین تصادفی بوده. شاسی‌اش خورده». حمید جا خورد. توی آگهی چیزی از شاسی کج ننوشته بودند. فروشنده حالا جواب تلفن را نمی‌داد. دادخواست داد اما باید هزینه کارشناسی و وکیل و رفت و آمد به دادگاه را می‌داد؛ دادگاه؟ بله، همین معامله ساده سر از شعبه‌های حقوقی درآورد. خودرویی که قرار بود یار حمید باشد بار خاطر او شد.

پلاک قدیمی، دردسر جدید

این قصه فقط قصه امیر، حمید یا مریم نیست. هزاران نفر هر سال گیر این داستان تکراری‌اند. کافی است خریدار و فروشنده بعد از امضای قولنامه برای تعویض پلاک نروند. در چشم به‌هم زدنی، خلافی، تصادف، حتی جرم احتمالی با پلاک قبلی برای مالک قدیم ثبت می‌شود. پلیس، مالیات و سازمان ثبت، همه پیگیر می‌شوند. تازه اگر طرف مقابل خبری از تغییر ندهد، فروشنده باید دادخواست الزام به فک پلاک بدهد؛ یعنی باز گذر طرف به دادگاه می‌افتد.

پول و چک و قصه جعل

تازه اگر خریدار خوش‌شانس باشد و موتور و شاسی سالم باشد، در پرداخت پول، هزار دردسر در کمین است. خریدار قرار بود قسط آخر را سه ماهه بدهد؟ نداد. فروشنده چکی گرفت؟ چک برگشت خورد یا اصلا جعلی بود. رسید بانکی دست‌کاری شده؟ بله، هنوز خیلی‌ها با رسید جعلی سر خریدار و فروشنده را کلاه می‌گذارند. ارزش خودروهای دست دوم حالا به میلیاردها تومان می‌رسد اما جابه‌جایی این پول‌های بزرگ هنوز امن نیست.

قرارداد، شروع داستان است

خیلی‌ها فکر می‌کنند وقتی قولنامه می‌نویسند، خیالشان راحت است اما همان قولنامه پر از تله است. عباراتی مثل «کلیه خیارات ساقط گردید» یا «خریدار حق فسخ ندارد»، اگر درست درک نشود، یعنی در دعوای احتمالی یک نفر همیشه بازنده است. از طرف دیگر، بعضی فروشنده‌ها پلاک را عوض نمی‌کنند یا از شماره حساب دوست و آشنا برای دریافت پول استفاده می‌کنند. یک خط جاافتاده در قرارداد، گاهی به معنای چند میلیون یا چند میلیارد تومان ضرر است.

چه باید کرد؟

حالا بعضی‌ها می‌گویند باید معامله خودرو را دیجیتال کرد. سامانه‌هایی طراحی شده که خریدار قبل از دیدن خودرو، بتواند سوابق توقیف بودن، بیمه، تصادف یا حتی مالک قبلی را بررسی کند اما هنوز برای خیلی‌ها، بازار دست دوم‌ها یعنی آگهی توی سایت و چند تلفن و بعد قولنامه‌ای که گوشه یک کافه یا پارک نوشته می‌شود.

خیلی‌ها هم در کامنت‌های شبکه‌های اجتماعی می‌نویسند: «یک کارشناس با خودتان ببرید»، «حتما پول را به حساب فروشنده بریزید» و «قولنامه بدون تعویض پلاک یعنی دردسر».

اما واقعیت این است که وقتی خریدار و فروشنده هر دو در لحظه معامله، همه تعهدات را با هم انجام ندهند احتمال دعوا هست. وقتی کسی نمی‌داند خودرو واقعا سالم است یا نه، باید منتظر تعمیرگاه یا دادگاه باشد. در کشوری که سالانه میلیون‌ها معامله خودرو انجام می‌شود، هنوز هزاران خریدار نمی‌دانند چطور قبل از استارت زدن، خیالشان راحت باشد.

الزام معرفی چند ضامن، وثیقه ملکی و فیش حقوقی برای دریافت وام‌های خرد

وام‌های بانکی آن سوی باجه‌ها می‌مانند

شرایط دریافت تسهیلات بانکی در ایران، البته به‌قدری پیچیده و سخت‌گیرانه است که بسیاری از متقاضیان در همان مراحل اولیه ناامید می‌شوند

فرشته رضایی
هفت صبح

در روزهایی که معیشت مردم زیر فشار تورم و بحران‌های اقتصادی می‌لرزد، دریافت تسهیلات بانکی به جای پناهگاه، به کابوسی پر از کاغذبازی و موانع تبدیل شده است. وام‌های بانکی در شرایط حاضر می‌توانستند امیدی برای بازسازی زندگی باشند اما برای بسیاری از ایرانی‌ها، مسیر دریافت تسهیلات بانکی پر از سنگلاخ است؛ از کاغذبازی‌های بی‌پایان و ضامن‌های دست‌نیافتنی تا سودهای سنگین و شرایطی که گاه غیرممکن به نظر می‌رسند.

عناوین مثبت و جالب برای هر کدام از تسهیلات بانکی، در حالی بر بیلبوردها و تبلیغات شهری و رسانه‌های جمعی خودنمایی می‌کنند که بسیاری از شهروندان از دستیابی به وام بانکی عاجزند. چند سالی‌ست بسیاری از مردم به امید دریافت تسهیلات بانکی به شعب بانک‌ها سر می‌زنند اما آنچه در انتظارشان است، نه یک پناهگاه مالی، بلکه مسیری پرپیچ‌وخم از بروکراسی، شروط سخت‌گیرانه و گاهی تحقیر است. کسانی هستند که برای گرفتن وام، روزها و حتی هفته‌ها در راهروهای بانک‌ها سرگردان شده‌اند اما نتیجه تقریبا هیچ بوده است.

جنگی با هزار ضربه به معیشت زندگی

ماجرای گرفتن وام و تسهیلات بانکی پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل بغرنج‌تر هم شده است. شرایط برای «امیر.د» شهروند ساکن تهران مثل بسیاری از جوانان ایرانی، پیش از جنگ هم آسان نبود. او که در حوزه طراحی گرافیک فعالیت می‌کرد، با شروع درگیری‌های اخیر و قطعی اینترنت، پروژه‌هایش یکی پس از دیگری لغو شدند. او به هفت‌صبح می‌گوید: «همه‌چیز در یک هفته از دست رفت. مشتری خارجی‌ام به‌خاطر قطعی اینترنت پروژه را کنسل کرد و کارفرمای داخلی‌ام هم اعلام کرد که فعلا بودجه ندارد. حالا نه پس‌اندازی دارم، نه درآمدی. بنابراین به یک بانک برای وام قرض‌الحسنه مراجعه کردم اما گفتند باید ۶ ماه میانگین حساب داشته باشی و دو ضامن رسمی بیاوری. با این وضعیت اشتغال از کجا ضامن پیدا کنم؟»

شرایط دریافت تسهیلات بانکی در ایران، البته به‌قدری پیچیده و سخت‌گیرانه است که بسیاری از متقاضیان در همان مراحل اولیه ناامید می‌شوند. بانک‌ها برای اعطای وام‌های قرض‌الحسنه یا مرابحه، شروطی مانند میانگین حساب طولانی‌مدت، ضامن رسمی و رتبه اعتباری بالا تعیین کرده‌اند که برای قشر متوسط و پایین جامعه، کمی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد.

ضامن، دیواری بلندتر از تورم

«فاطمه» مادری ۳۵ ساله که همسرش در جریان تعدیل نیرو در یک شرکت خصوصی بیکار شده، تجربه تلخی از تلاش برای دریافت وام ازدواج دارد. او می‌گوید: «دو سال پیش برای وام ازدواج به بانک مراجعه کردیم. به ما گفتند یک ضامن کارمند رسمی با فیش حقوقی بیاورید در حالی که نتوانستیم کارمند رسمی پیدا کنیم. آن موضوع باعث شد خیلی در زندگی عقب بمانیم. شوهرم کارگر ساختمانی بود و حالا هم بیکار شده است. با این شرایط نمی‌شود وام کوچک هم گرفت چون هزار مدل گرفتاری به همراه دارد».

براساس آمارها، یکی از بزرگ‌ترین موانع دریافت وام در ایران، الزام ارائه ضامن رسمی یا وثیقه ملکی است. در شرایطی که بسیاری از مردم شغل‌های غیررسمی دارند یا به دلیل تورم و بیکاری توان مالی برای ارائه وثیقه ندارند، این شروط عملا دسترسی به تسهیلات را برای قشر آسیب‌پذیر غیرممکن می‌کند. به عنوان نمونه دو بانک معروف پیشرو در زمینه وام قرض‌الحسنه که ادعای تسهیل شرایط با اعتبارسنجی دارند، همچنان برای بسیاری از متقاضیان رتبه اعتباری بالا می‌خواهند که نیازمند گردش مالی قوی یا سابقه پرداخت اقساط است.

کاغذبازی، کابوس بی‌پایان

«محمد.ف» کارمند یک شرکت کوچک که به‌دلیل کاهش بودجه شرکت دورکار شده و حالا در آستانه اخراج است، به هفت‌صبح می‌گوید: «برای وام ۵۰ میلیونی به یک بانک معروف رفتم. اول گفتند باید حساب باز کنید و ۳ ماه میانگین حساب داشته باشید. بعد از ۳ ماه که برگشتم، گفتند مدارک شغلی، فیش حقوقی و کپی سند خانه را هم ارائه دهید اما بعد از کلی دوندگی، گفتند چون رتبه اعتباری‌ات «ب» نیست، باید دو ضامن بیاوری. در این بین فقط وقت و پولم هدر رفت».

بروکراسی پیچیده بانکی، یکی دیگر از موانع اصلی دریافت تسهیلات در کشور است. متقاضیان باید چندین مرحله مدارک ارائه کنند، از گواهی اشتغال گرفته تا کپی سند ملکی و معرفی‌نامه ضامن. این در حالی‌ست که در شرایط بحران اقتصادی، بسیاری از مردم حتی توان مالی برای رفت‌وآمد به بانک یا گرفتن کپی مدارک را ندارند. برخی بانک‌ها هم به بهانه تکمیل ظرفیت یا کمبود بودجه، متقاضیان را ماه‌ها در صف انتظار نگه می‌دارند.

> **براساس آمارها، یکی از بزرگ‌ترین موانع دریافت وام در ایران، الزام ارائه ضامن رسمی یا وثیقه ملکی است. در شرایطی که بسیاری از مردم شغل‌های غیررسمی دارند یا به دلیل تورم و بیکاری توان مالی برای ارائه وثیقه ندارند، این شروط عملا دسترسی به تسهیلات را برای قشر آسیب‌پذیر غیرممکن می‌کند**

سودهای سنگین، امیدی که رنگ می‌بازد

برای کسانی که موفق به دریافت وام می‌شوند، سودهای بالا و اقساط سنگین، امید اولیه را به یاس تبدیل می‌کند. «زینب.ق» کارمند یک شرکت خصوصی که برای تامین هزینه درمان مادرش وام مرابحه گرفته، می‌گوید: «وام ۱۰۰ میلیونی با سود ۲۳درصد گرفته‌ام. حالا ماهی ۴ میلیون قسط می‌دهم، در حالی که کل حقوقم ۱۴ میلیون تومن است. اگر یک ماه قسط عقب بیفتد، بانک سریع به ضامن پیام می‌دهد و تهدید به ضبط وثیقه می‌کند. با این وضعیت آبرویی برای آدم باقی نمی‌ماند».

سود تسهیلات در بسیاری از بانک‌ها و در شرایط تورمی فعلی، فشار سنگینی به خانوارها وارد می‌کند. حتی وام‌های قرض‌الحسنه که ظاهرا با کارمزد ۴درصد ارائه می‌شوند، به دلیل شروط سخت‌گیرانه و نیاز به سپرده‌گذاری، برای بسیاری از مردم غیرقابل دسترس هستند در حالی که در همین سیستم برخی به راحتی و با کمترین بروکراسی به وام دسترسی پیدا می‌کنند.

> **وام‌های قرض‌الحسنه که ظاهرا با کارمزد ۴درصد ارائه می‌شوند، به دلیل شروط سخت‌گیرانه و نیاز به سپرده‌گذاری، برای بسیاری از مردم غیرقابل دسترس هستند در حالی که در همین سیستم برخی به راحتی و با کمترین بروکراسی به وام دسترسی پیدا می‌کنند**

در شبکه‌های اجتماعی مانند لینکدین، کاربران از سختی‌های دریافت وام می‌نویسند. یکی از کاربران در لینکدین می‌گوید: «برای وام ۲۰۰ میلیونی قرض‌الحسنه، بانک اعلام کرد که تا پایان اقساط باید ۱۰۰ میلیون در حسابم بخوابانم. این چه نوع وامی است که باید نصف آن را از قبل داشته باشیم؟» عدم شفافیت در فرآیند اعطای وام، موضوعی است که در سال‌های اخیر یکی از موضوعات گلایه و شکایت‌های مردم است. آنها می‌گویند چطور برخی به راحتی وام کلان گرفته و بسیاری از مردم در صف انتظار وام می‌مانند. برخی بانک‌ها شرایط را به‌صورت شفاف اعلام نمی‌کنند و متقاضیان پس از ماه‌ها انتظار، با پاسخ‌هایی مانند «بودجه نداریم» یا «مدارک ناقص است» مواجه می‌شوند.

اینترنت قطع، وام‌ها تعلیق

قطعی اینترنت در جریان بحران اخیر، نه‌تنها کسب‌وکارهای دیجیتال را فلج کرد، بلکه فرآیند دریافت وام را هم مختل کرد. «علی.ج» برنامه‌نویس فریلنسر که به دلیل قطعی اینترنت پروژه‌هایش متوقف شده، به هفت‌صبح می‌گوید: «برای وام فوری یک بانک باسابقه اقدام کردم. همه‌چیز آنلاین بود ولی وقتی اینترنت قطع شد، نه می‌توانستم مدارک آپلود کنم و نه اعتبارسنجی انجام دهم. بانک اعلام کرد که باید حضوری به شعبه بروم که آنجا هم گفتند سامانه قطع است و باید صبر کنید. در این حین اجاره خانه‌ام عقب افتاده و با دردسرهای زیادی مواجه شدم».

اختلال در زیرساخت‌های دیجیتال بانک‌ها، به‌ویژه در زمان قطعی اینترنت، باعث شد بسیاری از متقاضیان در میانه فرآیند درخواست وام متوقف شوند. این مشکل به‌ویژه برای وام‌های فوری که قرار است سریع پرداخت شوند، دردسرساز بوده است. مشکلاتی که شهروندان در گفت‌وگو با ما مطرح کردند، تنها گوشه‌ای از تجربه‌های تلخ مردم در مواجهه با سیستم بانکی است.

راهکارهایی که روی کاغذ ماندند

انجمن مدیریت کسب‌وکار ایران چند هفته پیش خواستار حمایت فوری دولت از کسب‌وکارها و مردم شده است. ارائه تسهیلات فوری با شرایط آسان‌تر، کاهش بروکراسی و حذف شروط سخت‌گیرانه مانند ضامن رسمی، از جمله پیشنهادهای این انجمن است اما تجربه‌های مردم نشان می‌دهد که این راهکارها هنوز به مرحله اجرا نرسیده‌اند.

> **انجمن مدیریت کسب‌وکار ایران چند هفته پیش خواستار حمایت فوری دولت از کسب‌وکارها و مردم شده است. ارائه تسهیلات فوری با شرایط آسان‌تر، کاهش بروکراسی و حذف شروط سخت‌گیرانه مانند ضامن رسمی، از جمله پیشنهادهای این انجمن است اما تجربه‌های مردم نشان می‌دهد که این راهکارها هنوز به مرحله اجرا نرسیده‌اند**

تجربه‌های مردم در مواجهه با سیستم بانکی، زنگ خطری برای اقتصاد شکننده ایران است. در شرایطی که تورم، بیکاری و بحران‌های غیرمنتظره مانند جنگ، معیشت مردم را تهدید می‌کند، بانک‌ها می‌توانستند پناهگاهی برای عبور از این توفان باشند اما شروط سخت‌گیرانه، بروکراسی پیچیده و سودهای بالا، این پناهگاه را به کابوسی برای بسیاری تبدیل کرده است. دولت چهاردهم که حالا زیر فشار بازسازی اقتصاد پس از جنگ قرار دارد، باید به فکر اصلاح زیرساخت‌های بانکی باشد. کاهش شروط سخت‌گیرانه، شفاف‌سازی فرآیندها و ارائه تسهیلات فوری با سود پایین، می‌تواند امیدی دوباره به مردم ببخشد.

شناسه آگهی : ۱۹۶۹۱۷۹ نوبت دوم

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصهٔ عمومی دو مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۷۲۲۴۰۰۰۰۳۷
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای RK-۳۰۲۴۸۰۳۱۲۵-R۲ مناقصه شماره R۲-۰۳/۰۵۱
موضوع مناقصه/شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید تجهیزات شبکه سیستم کنترل
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۱۶/۲۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۳۲۵/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می‌باشد.
آخرین مهلت بارگزاری پیشنهادات فنی/مالی در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی بهمراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می گردد.
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر - شهرستان عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - پالایشگاه دوم - ساختمان مدیریت پالایشگاه دوم

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد و به پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.
مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۲۴۲۶-۰۷۷۳۱۳۱۲۲۴۸ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۵/۰۱
روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
۲۵۸

شناسه آگهی : ۱۹۶۸۸۷۶ نوبت اول

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران (سهامی خاص)

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی شماره ۱۰۷/ج م/۱۴۰۴

مربوط به خرید ۴ قلم انواع شیرآلات سایز ۴ الی ۲۶ اینچ کلاس ۱۵۰ الی ۳۰۰ - درخواست شماره ۴۰۰۴۴۰

شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه خرید ۴ قلم انواع شیرآلات سایز ۴ الی ۲۶ اینچ کلاس ۱۵۰ الی ۳۰۰ به شماره (۲۰۰۴۰۹۲۶۶۰۰۰۰۱۸۷) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ الی ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد. حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۵ امتیاز می باشد.

شرکت ها و موسسات دانش بنیان در مناقصات و عرضه کالاهای دانش بنیان ساخت داخل دستگاه های اجرایی حائز اولویت می باشند و همچنین کالای پیشنهادی الزاماً می بایست از فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی وزارت نفت (AVL) تامین گردد.

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی تاریخ : ۱۴۰۴/۰۵/۱۱
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی تاریخ : ۱۴۰۴/۰۵/۲۵
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : آدرس : گچساران - فلکه الله - شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران - تلفن : ۳۲۲۲۲۰۸۹ - ۳۱۹۲۱۸۲۶ - ۰۷۴
مرکز تماس سامانه ستاد : ۴۱۹۳۴-۰۲۱
دفتر ثبت نام سامانه ستاد : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۵/۰۵
۲۵۹

چالش‌های حزب سوم و ابتکار ایلان ماسک در تقابل با ترامپ

دیکتاتوری دوحزبی

ایلان ماسک پس از جدایی از ترامپ، در ژوئیه ۲۰۲۵ از تاسیس «حزب آمریکا» خبر داد که هدف آن به چالش کشیدن نظام دوحزبی آمریکا بود

حسین فاطمی
هفت صبح

ایالات متحده آمریکا از زمان شکل‌گیری نظام سیاسی مدرن خود در اواخر قرن هجدهم، تحت سلطه یک نظام دوحزبی متشکل از دو حزب اصلی دموکرات و جمهوری‌خواه قرار داشته است. این دو حزب از سال ۱۸۵۲ تمامی انتخابات ریاست‌جمهوری را برده‌اند و از سال ۱۸۵۶ کنترل کنگره را در دست داشته‌اند. نظام انتخاباتی آمریکا به‌ویژه کالج انتخاباتی و قوانین سخت‌گیرانه دسترسی به برگه‌های رای در ایالت‌ها، به‌طور ساختاری به نفع این دو حزب عمل کرده و ورود احزاب سوم را به شدت دشوار کرده است.

با این حال، نارضایتی فزاینده از نظام دوحزبی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، منجر به ظهور بحث‌هایی درباره نیاز به یک حزب سوم شده است. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهند که بخش قابل‌توجهی از آمریکایی‌ها از ایده ایجاد حزب سوم حمایت می‌کنند اما ابتکار ایلان ماسک برای تاسیس «حزب آمریکا» با استقبال محدودی مواجه شده است.

ریشه‌های نظام دوحزبی در ساختار سیاسی و حزبی آمریکا

در زمان امضای قانون اساسی آمریکا در سال ۱۷۸۷، هیچ حزب سیاسی مبتنی بر آرای مردمی وجود نداشت اما نیاز به سازمان‌دهی برای پیروزی در منازعات سیاسی، به‌تدریج منجر به شکل‌گیری احزاب شد. حزب دموکرات در سال ۱۸۲۸ و حزب جمهوری‌خواه در سال ۱۸۵۴ تاسیس شدند و از آن زمان به‌عنوان دو حزب غالب، صحنه سیاسی آمریکا را تحت کنترل خود درآورده‌اند.

نظام دوحزبی به دلایل ساختاری و نهادی پایدار مانده است. نخست، سیستم کالج انتخاباتی در انتخابات ریاست‌جمهوری که در آن برنده هر ایالت تمام آرای الکترال آن ایالت را کسب می‌کند احزاب کوچک‌تر را به حاشیه می‌راند. همچنین قوانین ایالتی برای دسترسی به برگه‌های رای که اغلب به جمع‌آوری امضاهای گسترده یا ثبت رسمی حزب نیاز دارند، موانع قانونی و مالی قابل‌توجهی ایجاد می‌کنند و در نهایت، انعطاف‌پذیری دو حزب اصلی در جذب ایده‌های احزاب سوم، از جذابیت احزاب جدید کاسته است.

جالب آنکه فقط ۲۲درصد آمریکایی‌ها معتقدند دولت فدرال «تقریبا همیشه» یا «بیشتر اوقات» کار درست را انجام می‌دهد که نشان‌دهنده کاهش اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی است. این نارضایتی، زمینه‌ساز درخواست‌های فزاینده برای ایجاد حزب سوم شده است.

نارضایتی عمومی از نظام دوحزبی و حمایت از حزب سوم

حدود ۴۶درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که یک حزب سوم در چشم‌انداز سیاسی فعلی ضروری است. ۴۷درصد دموکرات‌ها و ۳۵درصد جمهوری‌خواهان از این ایده حمایت می‌کنند. نظرسنجی سی‌ان‌ان نیز نشان داد که ۶۳درصد آمریکایی‌ها حامی ایجاد حزب سوم هستند در حالی که ۴۰درصد از رای‌دهندگان، به‌ویژه مردان جمهوری‌خواه، از تشکیل حزب جدید استقبال می‌کنند.

این آمارها موید آن است که نارضایتی از نظام دوحزبی ریشه در ادراک عمومی از ناکارآمدی، فساد و عدم نمایندگی منافع اکثریت دارد. ایلان ماسک نیز با انتقاد از سیستم دوحزبی، آن را به یک «نظام تک‌حزبی» تشبیه کرده که به گفته او، منافع ۸۰درصد مردم را نمایندگی نمی‌کند.

ابتکار ایلان ماسک؛ حزب آمریکا و موانع پیش رو

ایلان ماسک پس از جدایی از ترامپ، در ژوئیه ۲۰۲۵ از تاسیس «حزب آمریکا» خبر داد که هدف آن به چالش کشیدن نظام دوحزبی آمریکا بود. او این تصمیم را پس از اختلاف با رئیس‌جمهور آمریکا و به‌ویژه پس از تصویب لایحه اقتصادی «بزرگ و زیبا» اعلام کرد که به گفته او، کسری بودجه فدرال را افزایش می‌دهد. ماسک در نظرسنجی‌ای که در پلتفرم ایکس برگزار کرد، گزارش داد که ۶۵,۴درصد از ۱,۲ میلیون شرکت‌کننده از تاسیس حزب جدید حمایت می‌کنند. با این حال، این نظرسنجی به دلیل عدم محدودیت به شهروندان آمریکایی و آسیب‌پذیری در برابر ربات‌ها، از نظر علمی قابل‌اتکا نیست. فقط ۱۷درصد از رای‌دهندگان آمریکایی به پیوستن به حزب ماسک تمایل دارند، در حالی که ۷۷درصد چنین قصدی ندارند. حمایت از حزب سوم در صورت ارتباط با نام ماسک از ۶۳درصد به ۲۵درصد کاهش می‌یابد. این کاهش علاقه به‌ویژه در میان رای‌دهندگان مستقل و دموکرات‌ها مشهود است.

> **نظام انتخاباتی آمریکا با تکیه بر کالج انتخاباتی و قوانین سخت‌گیرانه ایالتی، موفقیت احزاب سوم را دشوار می‌کند. تاریخ سیاسی آمریکا نشان می‌دهد که آخرین موفقیت قابل توجه یک حزب سوم به سال ۱۹۶۸ بازمی‌گردد، زمانی که جورج والاس ۴۶ رای الکترال کسب کرد**

چالش‌های تاریخی احزاب سوم در آمریکا

تاریخ سیاسی آمریکا پر از تلاش‌های ناموفق احزاب سوم است. حزب سبز، حزب لیبرتاریان و حزب قانون اساسی نمونه‌هایی از احزاب کوچک‌تر هستند که به‌رغم حضور در برخی ایالت‌ها، نتوانسته‌اند در سطح ملی تاثیرگذار باشند. این احزاب حتی با کسب آرای مردمی قابل‌توجه، موفقیت در کالج انتخاباتی تقریبا غیرممکن است.

احزاب سوم اغلب به‌عنوان «تخریبگر» عمل کرده‌اند، یعنی با جذب آرای یکی از دو حزب اصلی، نتیجه انتخابات را به نفع حزب دیگر تغییر داده‌اند. برای مثال، تحلیلگران معتقدند که حزب ماسک ممکن است با جذب آرای جمهوری‌خواهان، به‌ویژه در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶، به نفع دموکرات‌ها عمل کند. این نقش تخریبگری، اگرچه می‌تواند به مذاکره برای کسب نفوذ منجر شود، به‌ندرت به قدرت‌گیری مستقیم احزاب سوم می‌انجامد.

آیا حزب سوم امکان موفقیت دارد؟

با توجه به موانع ساختاری، قانونی و فرهنگی، موفقیت یک حزب سوم در سطح ملی در آمریکا بسیار دشوار است. با این حال، ابتکار ماسک می‌تواند در سطح محلی یا در انتخابات کنگره تاثیرگذار باشد. او اعلام کرده که حزب آمریکا در ابتدا بر کسب چند کرسی در مجلس نمایندگان و سنا تمرکز خواهد کرد تا به‌عنوان یک نیروی تعیین‌کننده عمل کند. این استراتژی، در صورت موفقیت می‌تواند به حزب آمریکا قدرت مذاکره با دو حزب اصلی را بدهد اما نیازمند منابع مالی عظیم و سازمان‌دهی قوی است.

علاوه بر این، نارضایتی عمومی از نظام دوحزبی و کاهش اعتماد به نهادهای حاکمیتی می‌تواند فرصتی برای احزاب سوم فراهم کند. با این حال، موفقیت چنین حزبی به توانایی آن در ارائه برنامه‌های مشخص، جذب رهبران معتبر و غلبه بر موانع قانونی و فرهنگی بستگی دارد. در مورد حزب ماسک، چالش‌های شخصیتی از جمله کاهش محبوبیت او و نبود جزئیات برنامه‌ریزی، موفقیت را دشوارتر می‌کند.

آینده نظام حزبی آمریکا

نظام دوحزبی آمریکا با وجود نارضایتی عمومی، به دلیل ساختارهای نهادی و انعطاف‌پذیری احزاب اصلی، همچنان پایدار است. ابتکار ایلان ماسک برای تاسیس «حزب آمریکا» نشان‌دهنده نارضایتی عمیق از وضعیت موجود است اما عدم اقبال عمومی به این حزب، همراه با موانع ساختاری، شانس موفقیت آن را کاهش می‌دهد. با این حال، این تلاش می‌تواند به‌عنوان یک کاتالیزور برای اصلاحات در نظام سیاسی عمل کند، به‌ویژه اگر بتواند ایده‌های جدیدی را به گفتمان سیاسی تزریق کند. برای موفقیت در بلندمدت، هر حزب سوم باید بر موانع ساختاری غلبه کرده و اعتماد عمومی را جلب کند؛ کاری که تاکنون در تاریخ آمریکا به‌ندرت محقق شده است.

> **نظام دوحزبی به دلایل ساختاری و نهادی پایدار مانده است. نخست، سیستم کالج انتخاباتی در انتخابات ریاست‌جمهوری که در آن برنده هر ایالت تمام آرای الکترال آن ایالت را کسب می‌کند؛ احزاب کوچک‌تر را به حاشیه می‌راند**

> **نارضایتی عمومی از نظام دوحزبی و کاهش اعتماد به نهادهای حاکمیتی می‌تواند فرصتی برای احزاب سوم فراهم کند. حزب ماسک، چالش‌های شخصیتی از جمله کاهش محبوبیت او و نبود جزئیات برنامه‌ریزی، موفقیت را دشوارتر می‌کند**

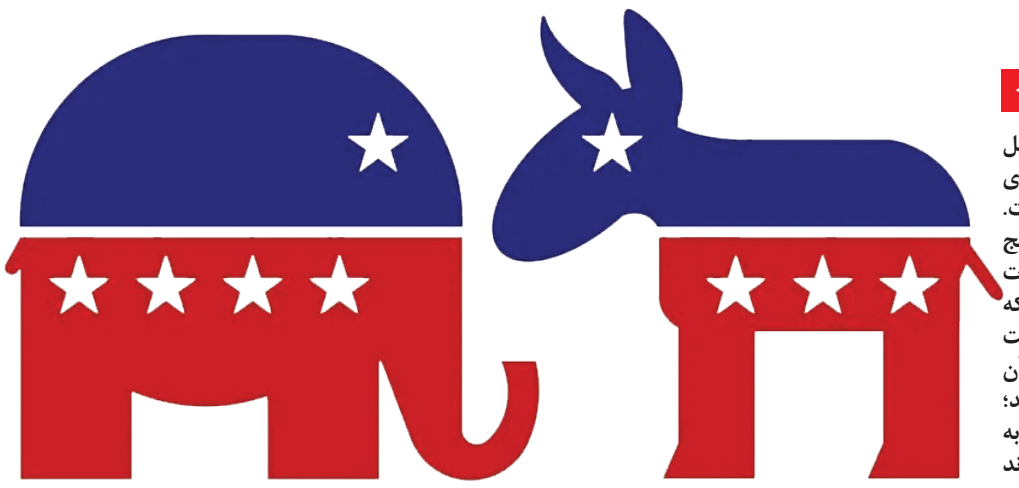

یادداشت

راه دشوار اصلاحات، اراده‌ای برای نبایدها

تحول‌خواهی در سایه انفعال ساختاری

امید محسنی
هفت صبح

دیدار اخیر رئیس‌جمهور با جبهه اصلاحات در شرایطی برگزار شد که موضوعاتی مانند پرهیز از تفرقه و ضرورت انسجام ملی، بار دیگر در صدر گفت‌وگوهای سیاسی قرار گرفته‌اند. مسعود پزشکیان، پس از این نشست در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «در نشست با اعضای جبهه اصلاحات، ضمن شنیدن نظرات دوستان، بر لزوم پرهیز از طرح مسائل تفرقه‌برانگیز تأکید کردم. گفتم اصلاحات زمان‌بر است، آهسته اما پیوسته پیش می‌رویم. پیش‌تر نیز در وزارت کشور گفته بودم احزاب باید تقویت شوند».

آن‌گونه که در گزارش منتشر شده از سوی نهاد ریاست‌جمهوری آمده، سخنان پزشکیان بر چند محور کلیدی تمرکز داشت: هشدار نسبت به طرد نخبگان، نقش احزاب در مسیر تدریجی تحولات و ضرورت پذیرش واقعیت زمان‌بر بودن اصلاحات. این نگاه، با آنکه در فضای سیال سیاست ایران قابل دفاع است اما ناگزیر با حافظه تاریخی جامعه‌ای مواجه است که بارها وعده‌های مشابه را شنیده لذا چندان به تحقق آن امید نبسته است.

در شرایطی که پس از جنگ اخیر، فضای سیاسی کشور تا حدی آرام‌تر به نظر می‌رسد، همین آرامش بالقوه می‌توانست فرصتی برای تحول فراهم کند. با این حال، تجربه‌های تلخ گذشته از سال ۸۸ تا ۱۴۰۳ به جامعه یادآور می‌شود که عقربه‌های سیاست گرچه گاه بر مدار اصلاحات می‌چرخند اما نیروی محرکه‌ای که این عقربه را به حرکت مستمر و ثمربخش تبدیل کند، اغلب دچار فرسایش یا توقف زودهنگام شده است.

این روزها، نه فقط بدنه دولت و نخبگان تحول‌خواه، بلکه حتی برخی چهره‌های اصولگرا نیز بر ضرورت تغییر تأکید می‌کنند. «علی‌اکبر ولایتی» مشاور ارشد رهبر انقلاب، روز دوشنبه در شبکه ایکس نوشت: «حفظ انسجام ملی مورد تأکید مقام معظم رهبری، می‌تواند شامل تغییر برخی رویکردهای اجتماعی حاکمیت و محور قرار دادن رضایت مردم بشود، به گونه‌ای که برای آنها ملموس باشد. مردم خود را اثبات کردند؛ اکنون نوبت مسئولین است».

این اظهارات اگرچه نشان از درک درست وضعیت دارد اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست: چرا در ساختار حکمرانی ایران، در لحظات حساس و خطیر، استقبال از تغییر دیده می‌شود اما بلافاصله پس از عبور از بحران، این عزم به فراموشی سپرده می‌شود؟ آیا هرگونه تحول، به‌مثابه عقب‌نشینی از مواضع پیشین تلقی می‌شود؟ آیا این تلقی به معنای تضعیف اقتدار در فضای سیاست ایران است؟

مرز میان صداقت در پذیرش ضرورت تغییر و حفظ اقتدار برای مدیریت جامعه، به قدری باریک است که بسیاری از پروژه‌های اصلاحی در همین نقطه دچار توقف یا انحراف می‌شوند. بارها دیده‌ایم که درون حاکمیت، تحول‌خواهی با «بایدها» آغاز شده اما با برچسب‌هایی نظیر «مخاطره‌آمیز بودن عقب‌نشینی» یا «ضربه به اصول انقلاب»، از سوی نیروهای جانبی و نهادهای غیرپاسخگو به حاشیه رانده شده است.

در چنین شرایطی، مسیر اصلاحات بیش از آن‌که به «طراحی‌های آرمان‌گرایانه» نیاز داشته باشد، محتاج «نبایدهایی» است که همچنان مانع شکل‌گیری اعتمادعمومی می‌شوند. حذف تریبون‌هایی که به شکاف‌ها دامن می‌زنند، پرهیز از دوقطبی‌سازی در رسانه ملی، مقابله درون‌ساختاری با فساد و بازگشت به گفت‌وگوی ملی (حتی در مقیاسی محدود) می‌تواند نشانه‌هایی کوچک از اراده‌ای بزرگ باشد؛ نشانه‌هایی که جامعه امروز، بیش از هر چیز دیگر، به آن چشم دوخته است.

اصلاحات اگرچه تدریجی و زمان‌بر است اما پیش‌نیاز آن، اراده‌ای برای کنار زدن موانع ابتدایی است. تا زمانی که این اراده در سطحی فراگیر شکل نگیرد، هر چقدر هم که نیت‌ها صادق باشد، خروجی جز سرخوردگی نخواهد داشت. انسجام ملی به‌دست‌آمده پس از بحران، سرمایه‌ای است که با چند تصمیم عقلانی و چند نشانه عملی، می‌توان آن را حفظ و تقویت کرد. شاید وقت آن رسیده باشد که اصلاحات را نه از مسیر وعده‌های بزرگ، بلکه با پرهیز از خطاهای کوچک آغاز کنیم.

آنچه در نهایت مسیر هر اصلاحی را روشن یا مسدود می‌کند، نه صرفاً اراده سیاسی یا امید اجتماعی، بلکه نسبت صادقانه حکمرانی با واقعیت است. اصلاحات زمانی از دایره شعار خارج می‌شود که حاکمیت بپذیرد اقتدار واقعی، در پذیرش تحول نهفته است، نه در پافشاری بر روش‌هایی که بارها آزموده شده‌اند. برای ساختن آینده، باید گذشته را مرور، خطاها را بازخوانی و روایت رسمی را بازتعریف کرد. این آغاز ممکن است هزینه داشته باشد اما کم‌هزینه‌ترین راه برای بازگشت اعتماد عمومی همین است: بازگشت به حقیقت، پیش از آنکه حقیقت، هزینه‌اش را تحمیل کند.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه جهانشاه قوامی بعنوان وکیل با وکالتنامه ۱۱۲۵۶ مورخ ۱۴۰۴/۴/۱۰ دفترخانه ۱۳۴۵ تهران با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شناسه یکتا به شماره ۱۴۰۴۰۲۱۵۱۳۸۵۰۰۰۲۳۱ و رمز تصدیق به شماره ۷۱۲۰۲۹ مورخ ۱۴۰۴/۴/۱۱ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۶ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۱۰۷۸۰۱۱۷۹۲ مورخ ۱۴۰۴/۴/۱۶ مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی واقع در طبقه ۴ بمساحت ۸۷/۵۹ متر مربع که مقدار ۲/۵۹ متر مربع آن بصورت بالکن می باشد قطعه ۴ تفکیکی به پلاک ثبتی ۴۱۳۴۲ فرعی از ۲۴۲۶ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۹۴۴۰ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۰ تهران با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و آئین نامه اجرائی آن که بنام پرویز لطفی نسب اصل برابر شماره چاپی ۲۰۶۴۵۴ ه /۹۸ و شماره الکترونیک ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۰۷۸۰۱۸۳۵۲ ثبت و صادر و تسلیم گردیده و برابر سند قطعی شماره ۲۰۸۳۶۲ مورخ ۹۹/۴/۲۳ دفترخانه شماره ۴۱ شهر تهران به وی انتقال یافته است. و نامبرده با اعلام مفقودی به علت جابجایی درخواست المثنی سند مالکیت پلاک موصوف را نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی می شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

۱۲۵۷۱ م الف
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران – خداداد بشیری

شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۵

گزارش

بازی خطرناک آمریکا در خاورمیانه

نفت، جنگ و چین

در صورت تداوم تنش‌ها در خاورمیانه و ادامه حملات احتمالی آمریکا و اسرائیل به ایران، بسته شدن احتمالی تنگه هرمز می‌تواند قیمت نفت را به‌صورت بی‌سابقه‌ای افزایش دهد

گروه سیاسی | سیاست خارجی ایالات متحده در قرن حاضر، با تمرکز بر مهار قدرت‌های جهانی نظیر چین و روسیه، شکل گرفته است. در این میان، ایران به‌عنوان یک اولویت ثانویه یا سوم در استراتژی کلان آمریکا مطرح شده اما اگر ایران به‌عنوان اولویت نخست سیاست خارجی آمریکا باقی بماند، چه پیامدهایی برای منطقه و جهان به دنبال خواهد داشت؟ این گزارش به تحلیل این موضوع می‌پردازد و راهکارهایی برای اجتناب از تشدید تنش‌ها ارائه می‌دهد.

پیامدهای اولویت‌بندی ایران

در صورت تداوم تنش‌ها در خاورمیانه و ادامه حملات احتمالی آمریکا و اسرائیل به ایران، بسته شدن احتمالی تنگه هرمز می‌تواند قیمت نفت را به‌صورت بی‌سابقه‌ای افزایش دهد. آمریکا به دلیل خودکفایی نسبی در تولید نفت، از این افزایش قیمت آسیب چندانی نمی‌بیند اما اقتصاد چین که به نفت خاورمیانه وابسته است، متزلزل خواهد شد. این امر به افزایش قیمت کالاهای چینی و کاهش مزیت رقابتی آنها منجر می‌شود. کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس نیز از این وضعیت آسیب خواهند دید، در حالی که آمریکا به‌طور غیرمستقیم به هدف مهار چین نزدیک‌تر می‌شود.

از سوی دیگر اقتصاد کشورهای عربی مانند عربستان، امارات و قطر که به بازار چین وابسته‌اند، از افزایش قیمت نفت و کاهش حضور چین در منطقه متضرر خواهد شد.

این موضوع از منظر سیاست‌گذاران آمریکایی می‌تواند به کمرنگ شدن نفوذ چین در خاورمیانه منجر شود که هدفی استراتژیک برای واشنگتن است. در کنار نکات یاد شده، افزایش قیمت نفت به‌طور ناخواسته به اقتصاد روسیه کمک خواهد کرد که این با هدف مهار روسیه در تضاد است. با این حال، آمریکا ممکن است این هزینه را به دلیل مزایای استراتژیک مهار چین و ایران بپذیرد. هند، به‌عنوان شریک آمریکا، به دلیل وابستگی به انرژی روسیه کمتر از این وضعیت آسیب می‌بیند.

اینها علاوه بر آن است که تداوم درگیری‌ها در خاورمیانه می‌تواند کشورهای عربی را به جنگ‌های نیابتی یا مستقیم بکشاند و شکاف‌های قومی و مذهبی بین ایران و اعراب را عمیق‌تر کند. این وضعیت به بی‌ثباتی منطقه‌ای دامن می‌زند و می‌تواند زمینه‌ساز درگیری‌های طولانی‌مدت باشد. نباید فراموش کرد که افزایش تنش‌ها به فروش تسلیحات آمریکایی به کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس منجر خواهد شد که برای مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا یک فرصت اقتصادی است.

سیاست متوازن و صلح منطقه‌ای

برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها، ایران باید از اولویت نخست سیاست خارجی آمریکا خارج شود. صلح در نوار غزه می‌تواند گامی در این راستا باشد و به نفع همه کشورهای مسلمان منطقه، از جمله ایران و عربستان تمام شود. این امر می‌تواند فشار بر روسیه را نیز افزایش دهد و پوتین را به توقف پیشروی در اوکراین و اروپا وادار کند. در چنین سناریویی، ایران می‌تواند با اتخاذ سیاستی متوازن، روابط اقتصادی و سیاسی با آمریکا، چین و روسیه را حفظ کند و از مزایای رقابت این قدرت‌ها بهره‌مند شود. در مجموع می‌توان گفت که اولویت‌بندی ایران در سیاست خارجی آمریکا می‌تواند به بی‌ثباتی منطقه‌ای، افزایش قیمت نفت و تضعیف اقتصاد چین و کشورهای عربی منجر شود اما در عین حال به‌طور غیرمستقیم به نفع روسیه تمام خواهد شد. برای جلوگیری از این پیامدها، ایران و کشورهای منطقه باید به سمت دیپلماسی و صلح حرکت کنند. سیاست خارجی متوازن ایران می‌تواند از درگیری‌های نیابتی جلوگیری کرده و منطقه را به سمت توسعه اقتصادی هدایت کند.

مهاجرت، نان در غربت

مهاجران در سه کشور کانادا، فرانسه و چین با واقعیت‌هایی متفاوت روبه‌رو هستند؛ از فرصت‌های طلایی و درآمدهای بالا تا چالش‌های زبانی، تبعیض پنهان و شکاف درآمدی

رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

مهاجرت کاری، قرن‌هاست که در جست‌وجوی نان و امنیت، انسان‌ها را از مرزها عبور داده است؛ اما در دنیای امروز که پیچیدگی‌های اقتصادی، تفاوت‌های فرهنگی و تبعیض‌های ساختاری چهره کار را دگرگون کرده‌اند، تجربه مهاجران از اشتغال، دیگر یکسان و یک‌دست نیست. این گزارش، با نگاهی مقایسه‌ای به سه کشور کانادا، فرانسه و چین، به عنوان ۳ نمونه موفق اقتصادی از سه قاره متفاوت جهان، روایتگر تجربه‌های متفاوت مهاجران در بازار کار جهانی است؛ جایی که معادله ساده «کار مساوی با درآمد و آسایش» به‌سادگی برقرار نمی‌شود و هر سرزمین، غربت را با رنگی خاص ترسیم می‌کند.

کانادا: سرزمین فرصت با دروازه‌های نیمه‌باز

کانادا برای بسیاری از مهاجران، تصویر یک رویای زمینی است: کشوری با نظام سلامت پیشرفته، اقتصاد پایدار و قانونی‌ترین مسیرهای مهاجرت. بازار کار پویا در حوزه‌هایی چون فناوری، بهداشت و مهندسی، کانادا را به مقصدی محبوب بدل کرده است؛ به‌ویژه در کلانشهرهایی مانند تورنتو و ونکوور. اما این رویا، برای همه با واقعیت هم‌سطح نیست. مهاجران تازه‌وارد، به‌رغم تحصیلات عالی، با دشواری‌هایی نظیر به‌رسمیت شناخته نشدن مدارک خارجی، فقدان تجربه کاری کانادایی و نیاز به تسلط بر زبان مواجه‌اند. در استان فرانسوی‌زبان کبک، این دشواری با الزامات زبانی دوچندان می‌شود. بر اساس داده‌های رسمی، میانگین درآمد مهاجران در کانادا حدود ۴۰۹۷ دلار در ماه است، درحالی که متوسط درآمد ملی به ۶۲۵۰ دلار می‌رسد. مهاجران موقت یا تازه‌وارد حتی درآمدی کمتر از این نیز دارند. با وجود این، سطحی از درآمد نزدیک به ۳۰۰۰ دلار در ماه برای یک زندگی متوسط با احتساب اجاره‌بهای مسکن، کافی است و برای مهاجران دارای مدرک لیسانس یا بالاتر قابل دستیابی است.

فرانسه: قاره‌ای از تضادها و چالش‌های طبقاتی

فرانسه، با قوانین سخت‌گیرانه کار، بیمه‌های اجتماعی گسترده و حمایت‌های دولتی، از منظر قانونی پناهگاه طبقه کارگر است اما گزارش‌های اروپایی نشان می‌دهند که شرایط واقعی کار در این کشور، به‌ویژه از نظر ایمنی و سلامت، ضعیف‌تر از بسیاری از کشورهای دیگر اروپایی است. برای مهاجران، این شرایط با پیچیدگی‌های مضاعفی همراه است: بروکراسی سنگین، نیاز به تسلط بر زبان فرانسه، کمبود مسکن و گاه تبعیض‌های ساختاری. با این حال، مشاغل تخصصی، از فناوری اطلاعات گرفته تا سلامت و مهندسی، برای مهاجران ماهر، دریچه‌های امید را باقی گذاشته‌اند. درآمد مهاجران در فرانسه، بسته به نوع شغل، می‌تواند به ۲۹۹۸ یورو در ماه برسد، رقمی که با درآمد خالص ملی یعنی ۲۴۳۳ یورو هم‌سطح یا حتی بالاتر است. از سوی دیگر، برای داشتن یک زندگی متوسط در پاریس یا دیگر شهرهای اصلی، درآمدی بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ یورو در ماه لازم است؛ رقمی که برای مهاجران کم‌درآمد، به‌ویژه در بخش خدمات، گاه دست‌نیافتنی و خیلی دور است. فرانسه، اگرچه دروازه‌های قانونی فراوانی به روی مهاجران دارد اما تجربه زیسته آن‌ها گاه از خستگی، فشار و ناهمسانی طبقاتی لبریز است.

چین: رشد اقتصادی و واقعیت‌های چندلایه فرهنگی

در نگاه اول، چین ممکن است مقصدی غیرمنتظره برای مهاجرت کاری باشد اما در دهه گذشته، این کشور با اقتصاد در حال رشد و تقاضای شدید برای مهارت‌های تخصصی، میزبان هزاران مهاجر شاغل شده است. مهاجران در چین اغلب در مشاغل تخصصی مانند تدریس زبان انگلیسی، فناوری اطلاعات، مهندسی و مدیریت فعال‌اند. با درآمد ماهانه‌ای بین ۱۰ هزار تا ۲۰ هزار یوان، معادل ۱۴۰۰ تا ۲۸۰۰ دلار، آن‌ها اغلب بالاتر از متوسط محلی که حدود ۳۵۰ دلار است، حقوق می‌گیرند. هزینه زندگی در شهرهای بزرگی مانند شانگهای یا پکن نیز بین ۷۰۰ تا ۱۱۰۰ دلار در ماه برآورد می‌شود که مهاجران متخصص به‌راحتی از پس آن برمی‌آیند. اما در پسِ این اعداد، چالش‌های قابل‌توجهی نهفته‌اند: تفاوت‌های فرهنگی، نبود آشنایی با زبان ماندارین، استرس محیط کاری چندفرهنگی و محدودیت‌های قانونی و سانسور و خفقان دولتی برای برخی فعالیت‌ها و آزادی‌های اجتماعی. این عوامل، گرچه مانع ورود نیستند اما زیستن را دشوار می‌کنند. چین برای مهاجران، سرزمین فرصت است اما نه همیشه همراه با آرامش.

غربت و معادله معیشت

کار کردن در سرزمین بیگانه، اگرچه با سودای زندگی بهتر آغاز می‌شود اما واقعیت آن در هر کشور، با چهره‌ای متفاوت بروز می‌کند. در نهایت، درآمد کافی تنها بخشی از ماجراست؛ کیفیت زندگی، امنیت شغلی و احساس تعلق، همان چیزهایی‌اند که در نمودارهای آماری جایی ندارند اما سرنوشت مهاجران را رقم می‌زنند.

به ویژه اینکه مهاجران دو وزنه اصلی خود را برای قدم برداشتن روی زمین از دست می‌دهند؛ زبان مادری و روابط اجتماعی. این‌ها هزینه‌هایی است که به طور مستقیم بر روح و جان آدمی وارد می‌آید و باید آن را در محاسبات مهاجرت دخیل کرد.

چهره روز

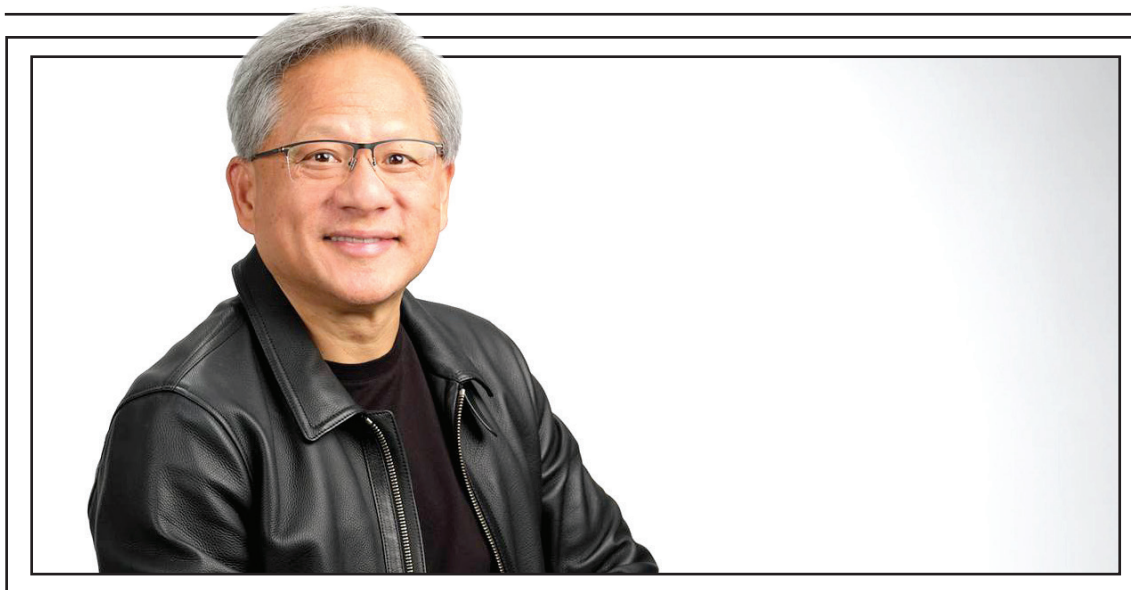

داستان زندگی جن سون هوانگ، مدیرعامل انویدیا، با شعار «از ظرف شستن تا انویدیا!» در شبکه‌های اجتماعی به ترندی پربازدید تبدیل شده و توجه کاربران را به خود جلب کرده است. هوانگ که امروز سکان‌دار باارزش‌ترین شرکت جهان است، زمانی در رستوران‌ها ظرف می‌شست و توالت تمیز می‌کرد. این مسیر الهام‌بخش از کارهای ساده تا رهبری غول فناوری، نشان‌دهنده عزم و پشتکار اوست. هوانگ در جوانی برای تأمین هزینه‌های زندگی در آمریکا، تابستان‌ها کار می‌کرد و سپس با تحصیل در دانشگاه‌های معتبر اورگن و استنفورد، گام‌های بلندی در حوزه فناوری برداشت. او در سال ۱۹۹۳ انویدیا را تأسیس کرد و با تمرکز بر پردازش گرافیکی، این شرکت را به اوج موفقیت رساند. هوانگ معتقد است سختی‌ها شخصیت را شکل می‌دهند و همین دیدگاه او را به نمادی از موفقیت تبدیل کرده که در فضای مجازی تحسین همگان را برانگیخته است.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

- مرگ مالکوم جمال، بازیگر و کمدین در ۵۴ سالگی — فرانسه
- انتقال سائول نیگوئز، بازیکن سابق اتلتیکومادرید به فلامنگوی ریو — روسیه
- افتتاح فروشگاه‌های متعدد اپل در سعودی — عربستان
- مسابقه فوتبال بین تیم‌های اورنبورگ و زسکا مسکو — برزیل
- مرگ مالکوم جمال، بازیگر و کمدین در ۵۴ سالگی — آمریکا

یلو زون

از استیون کلبر به دونالد ترامپ: «برو بمیر»

استیون کلبر، کمدین سرشناس آمریکایی، در برنامه «لیت شو» شبکه سی‌بی‌اس به پیام جنجالی دونالد ترامپ در شبکه تروث‌سوشال واکنش تندی نشان داد. ترامپ هفته گذشته نوشته بود: «خوشحالم که کلبر اخراج شد. استعدادش از آمار بینندگانش هم کمتر است! جیمی کیمل نفر بعدی است که می‌رود، او از کلبر هم بی‌استعدادتر است. گرگ گاتفلد از همه بهتر است!» کلبر در اپیزود دوشنبه شب، با طنزی گزنده پاسخ داد: «چطور جرأت می‌کنی؟ مگر یک آدم بی‌استعداد می‌تواند این جوک‌های تند و تیز را بسازد؟» او سپس با فریاد «برو بمیر» خطاب به دونالد ترامپ، تماشاگران برنامه‌اش را به وجد آورد. کلبر در ادامه با کنایه به حاشیه‌های اخیر پیرامون ترامپ و پرونده جفری اپستین اشاره کرد و گفت: «ماجرای دوستی رئیس‌جمهور ما با یک پدوفیل (متجاوز جنسی به کودکان) در برابر این بحث‌ها ناچیز است.» در برنامه اخیر، کمدین‌هایی مانند جیمی فالن، جان استوارت، جان الیور، ست مایرز و آدام سندلر برای حمایت از کلبر حضور یافتند اما جیمی کیمل غایب بود. این جدال کلامی در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای داشت و بار دیگر نشان داد که کلبر با طنز هوشمندانه‌اش، حتی در برابر انتقادات تند سیاسی، عقب نمی‌نشیند و هوادارانش را سرگرم می‌کند. گفتنی است، شبکه سی‌بی‌اس به دلیل مشکلات مالی، «لِیت شو» را در سال ۲۰۲۶ تعطیل می‌کند.

کیوسک

EL PAIS

ANTEPROYECTO DE LEY DE SECRETOS OFICIALES
Los secretos del franquismo y la Transición serán desclasificados

Israel se adentra en el único refugio urbano que resiste en Gaza

Ferrovial pagó a la asesoría de Montoro para acelerar un plan gubernamental

Los funcionarios de élite tendrán que superar un máster y un examen final

Pardo de Vera al juez: "Koldo me decía: 'Bonita, llévate bien con el ministro'"

> واشنگتن‌پست آمریکا، عکس و تیتر اصلی خود را به حادثه سقوط یک هواپیمای جنگنده ارتش بنگلادش داخل یک دانشگاه که دست‌کم منجر به مرگ ۲۰ نفر شده، اختصاص داد.

> ال‌پاس اسپانیا از حرکت جنگ‌افزارهای ارتش جنایتکار اسرائیل به سمت تنها پناهگاه باقی مانده در غزه که ۴ هزار نفر در آن سکونت دارند، خبر داد.

The Washington Post

Hamas sees its revenue dry up

Harvard argues for free speech

Grocery store's bare shelves show limits of city-led model

Trump's Commanders threat 'just noise,' D.C. leaders say

Behind Gaza aid provider are for-profit U.S. interests

Websites aim to thwart ICE, but some see risks to agents

شناسه آگهی : ۱۹۶۸۱۲۳

آگهی مزایده املاک و اموال تملیکی و مازاد بانک ملی ایران نوبت چهارم سال ۱۴۰۴ استان مازندران

بانک ملی ایران

اداره امور شعب بانک ملی استان مازندران در نظر دارد تعدادی از اموال و املاک مازاد خود را از طریق مزایده الکترونیکی سامانه تدارکات دولت (ستاد ایران) به صورت نقد واقساط بفروش برساند.

شرایط فروش:

شرایط واگذاری اموال اعم از تخلیه و متصرفدار

ردیف	نوع کاربری	پیش پرداخت	مدت تنفس	نحوه بازپرداخت	نرخ سود
۱	کلیه اموال با کاربری‌های صنعتی – دامداری – کشاورزی – زراعی و اموال مشاعی با هر نوع کاربری	حداقل ده درصد	حداکثر ۱۲ ماه	حداکثر ۴۸ ماه اقساط متوالی ماهیانه	نرخ سود معادل «حداکثر نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار» (در حال حاضر ۲۳٪)
۲	کلیه اموال با کاربری‌های مسکونی – تجاری – اداری – خدماتی (به استثناء ردیف سوم)	حداقل ده درصد	حداکثر سه ماه تنفس	حداکثر ۵۷ ماه اقساط متوالی ماهیانه	
۳	ویلاهای مازندران	حداقل بیست درصد	حداکثر سه ماه تنفس	حداکثر ۵۷ اقساط متوالی‌ماهیانه	

- تاریخ برگزاری و انتشار مزایده از ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ لغایت ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ می‌باشد.
- مهلت دریافت اسناد مزایده از ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ می‌باشد.
- مهلت ارائه پیشنهاد و شرکت در مزایده از ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ می‌باشد.
- تاریخ بازگشایی پاکتهای الکترونیکی ساعت ۸:۳۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ خواهد بود.

توجه ۱: سپرده (ودیعه) شرکت در مزایده معادل ۵٪ قیمت پایه مزایده است که متقاضیان می بایست وجه موردنظر را صرفا به حساب شماره ۰۱۱۸۷۱۴۶۳۷۰۰۵ و یا شماره شبا IR۵۹۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۱۱۸۷۱۴۶۳۷۰۰۵ بنام " اداره امور شعب استان مازندران" با شماره شناسه ۱۷۰۰۶۹۶۹۱۵ واریز و تصویر رسید پرداخت شده را در سامانه ستاد بارگذاری نمایند.

توجه۲: امکان شرکت در مزایده بدون دریافت اسناد مزایده میسر نمی‌باشد لذا متقاضیان شرکت در مزایده حتماً می‌بایست جهت شرکت در مزایده تا قبل از اتمام تاریخ مهلت دریافت اسناد مزایده (ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴) نسبت به دریافت اسناد مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) اقدام و هزینه خرید اسناد مزایده بمبلغ ۱۱/۴۰۰/۰۰۰ ریال را بحساب شماره ۰۱۱۰۲۳۹۸۹۷۰۰۰ با شناسه ۹۶۰۰۲۰۶۴۱۸۷۱۴۶۹۳ واریز نمایند.

متقاضیان خرید برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند از طرق ذیل اقدام نمایند.

۱- تماس تلفنی با شماره تلفن ۰۱۱۳۳۳۴۷۰۲۲

۲- مراجعه به سایت بانک ملی ایران به آدرس www.bmi.ir بخش مناقصه و مزایده ⇦ مزایده سراسری (مزایده املاک و اموال تملیکی و مازاد بانک ملی ایران نوبت چهارم سال ۱۴۰۴ استان مازندران)

۳- مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) www.setadiran.ir مزایده ⇦ مزایده دستگاه اجرایی ⇦ مزایده‌گر ⇦ (مزایده شماره ۲۰۰۴۰۳۰۰۱۳۰۰۰۰۰۴ اموال غیرمنقول)

۴- مراجعه حضوری به کلیه ادارات امور و شعب بانک ملی ایران

م الف ۱۴۰۰

شناسه آگهی : ۱۹۶۹۵۲۴

فراخوان تجدید (۱) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی

کانون ارزیابی شایستگی های مربوط به مشاغل عمومی برای داوطلبین در آزمون استخدامی گمرک ج.ا.ا

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارائی
گمرک ایران

گمرک جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به کانون ارزیابی شایستگی های مربوط به مشاغل عمومی برای داوطلبین در آزمون استخدامی گمرک ج.ا.ا خود از طریق تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی اقدام نماید. بدینوسیله از اشخاص (حقیقی/حقوقی) واجد شرایط، جهت شرکت در این مناقصه به شرح ذیل دعوت بعمل می آید:

۱- تجدید (۱) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی :

ردیف	شماره فراخوان	موضوع	مبلغ تضمین (ریال)
۱	۲۰۰۴۰۰۳۰۰۴۰۰۰۰۱۰	کانون ارزیابی شایستگی های مربوط به مشاغل عمومی برای داوطلبین در آزمون استخدامی گمرک ج.ا.ا	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

۲- تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۰۰۱۱۰۶۳۷۰۳۰۶ به نام تمرکز وجوه سپرده گمرک ج.ا.ا می باشد.

۳-محل، زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه، ارسال پیشنهاد و بازگشایی پاکت ها:

۳-۱-کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد و مهلت دریافت اسناد از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ الی ساعت ۱۶:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ می‌باشد.

۳-۲-پاکت الف حاوی اصل تضمین حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ به نشانی: تهران- بالاتر از میدان ولیعصر - جنب کوچه شهیدقیومی- ساختمان مرکزی گمرک جمهوری اسلامی ایران- طبقه اول- اداره کل توسعه و تجهیز- اتاق ۱۰۹ تحویل گردد.

۳-۳-مهلت ارسال الکترونیکی پاکت های پیشنهاد حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ از طریق سامانه ستاد می‌باشد.

۳-۴-زمان بازگشایی پاکات مناقصه روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ ساعت ۱۰ صبح خواهد بود.

مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سامانه ستاد، پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات وپورتال گمرک به نشانی www.irica.gov.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۸۲۹۹۲۱۲۰-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

م الف ۱۴۵۰

اداره کل توسعه و تجهیز گمرک جمهوری اسلامی ایران — اداره امور قراردادها و مناقصات

گفت‌وگوی اختصاصی با نویسنده تاثیر گذار ایرانی که سال‌هاست در غربت می‌نویسد و می‌گوید

شهرنوش پارسی‌پورم، ۷۹ ساله. همین!

● زمانه‌ای است که زن‌ها عوض شدند، حالا زنان با قدرت عمل می‌کنند

● به نظرم نسل بسیار خوبی در ایران مشغول نوشتن هستند و آثار قابل توجه و خوبی دارند. آینده نویسندگی در ایران را بسیار بسیار درخشان می‌بینم

محمد سعادت
هفت صبح

شهرنوش پارسی‌پور، نام شناخته شده ادبیات معاصر ایران است. نویسنده زنی که هیچ‌گاه زنانه ننوشت اما تاثیر بزرگی بر زنان ایرانی گذاشت.

«زنان بدون مردان»، کتابی که ۵۱ سال حرف دارد

کتاب «زنان بدون مردان»، پر سر و صداترین کتاب اوست. کتابی که روایتی از زندگی پنج زن است؛ پنج زنی که در دل جامعه مردسالار تلاش می‌کنند از محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی رهایی یابند و به استقلال و آزادی برسند. رمانی جسورانه برای زمانه‌ای که هنوز حرف زدن از آزادی زنانه کاری ممنوع بود. کتاب ماحصل روایت داستان زنانی است که در دهه پنجاه شمسی زندگی می‌کردند. مجموعه‌ای از چند داستان کوتاه که بین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ نوشته شد. پارسی‌پور می‌گوید قرار نبود این کتاب را بنویسم، داستان‌های کوتاهی نوشته بودم که درنهایت تبدیل به یک رمان شدند. این کتاب در گیر و دار انقلاب ماند و منتشر نشد تا دوازده سال بعد، به سال ۱۳۶۸ برای نخستین‌بار منتشر شود. اما، کتاب دچار سانسور شد، توقیف شد، پارسی‌پور احضار شد، محکوم شد و درنهایت به مهاجرتش انجامید. هرچند او تاب مهاجرت نیاورد و به ایران بازگشت. کتاب مشهور او دیگر ممنوع نبود، بارها و بارها به چاپ رسید و مخاطبان بسیاری پیدا کرد. این کتاب بارها به زبان‌های مختلف ترجمه شد و در جهان نیز به شهرت بسیاری رسید. با این همه شهرنوش پارسی‌پور را نمی‌توان فقط با کتاب «زنان بدون مردان» شناخت. او آثار درخشان بسیار دارد. کتابی چون «خاطرات زندان»، که برگرفته از تجربیات شخصی‌ای نویسنده در دو دوره محکومیتش در زندان، پیش و پس از انقلاب است.

چه داخل و چه در مهاجرت تاثیری که بر جامعه زنان گذاشت

شهرنوش پارسی‌پور چنان شناخته شده هست که نیاز به بازنگری زندگی شخصی‌اش نیست. نیازی نیست از خانواده‌ای که در آن زاده شد یا از تحصیلاتش گفت. پارسی‌پور نزدیک به هشت دهه با نوشتن، خود را به مخاطب ایرانی و جهانی معرفی کرده است. او با نوشتن تاثیر عمیقی بر جامعه زنان ایرانی گذاشته و حتی در سال‌هایی که دور از ایران بوده نیز تاثیر گذاری‌اش ادامه داشته است.

دکترای افتخاری در زمینه ادبیات و حقوق بشر

او یکی از مدعوین معتبر سمینارها و کارگاه‌های ادبی دانشگاه‌های استنفورد و براون بوده و جوایز متعددی برای این حضور موثر دریافت کرده است. پارسی‌پور سال ۲۰۱۰ دکترای افتخاری دانشگاه براون را در زمینه ادبیات و حقوق بشر دریافت کرد. در سال ۲۰۱۶ برای جایزه «بیتا» (در بخش هنرهای فارسی) دانشگاه استنفورد با عنوان هنرمند برجسته‌ای که با آثاری تاثیر گذار نقش پررنگی در ادبیات فارسی داشته، برگزیده شد.

سرانجام، شانس هم‌کلامی با نویسنده محبوبم

شهرنوش پارسی‌پور برای من فقط یک نویسنده نیست. سال‌ها با کتاب‌هایش زندگی کردم، بزرگ شدم، خیال بافتم. داستان‌های او همیشه برای من بوی جادو، خیال و اسطوره می‌دهند. نوشتن‌های او پر است از جسارت، شیرینی و تلخی که در ذهن ماندگار می‌شوند. هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم، روزی این شانس را داشته باشم که با نویسنده محبوبم هم‌کلام شوم. این گفت‌وگو به لطف دوستی قدیمی‌ام با علی تقوایی، پسر خانم پارسی‌پور، ممکن شد. باید از علی عزیز بابت ایجاد این فرصت نادر ممنون باشم که فرصتی برای شنیدن حرف‌های زنی که همیشه با نوشتن زندگی کرده است، شد.

● چه چیزی باعث شد در نوجوانی به نویسندگی گرایش پیدا کنید؟

از کودکی خیلی کتاب می‌خواندم و با نویسنده‌های بزرگی آشنا شدم. از همان زمان احساس کردم به نویسندگی علاقه دارم.

● آیا در خانواده کسی مشوق شما بود؟

نه عزیزم، تنها مشوق من خودم بودم.

● اولین مطلبی که نوشتید را به یاد دارید؟

اگه درست یادم باشد، مقاله‌ای بود که برای یک مجله نوشتم.

● همان سال‌ها، نویسنده مورد علاقه‌تان چه کسی بود؟

داستایفسکی را خیلی دوست داشتم.

● چالش‌هایتان در آغاز راه نویسندگی چه چیزهایی بود؟

مشکل خاصی برایم وجود نداشت. من می‌نوشتم و چاپ می‌کردم. اگر هم چاپ نمی‌شد برایم مهم نبود.

● آیا زن بودن‌تان به عنوان نویسنده، باعث شده که خودتان را نویسنده زنانه‌نویسی بدانید؟

نه. من برای زنان و مردان می‌نویسم. هیچ زنانه‌نویسی خاصی ندارم. در بعضی از داستان‌هایم قهرمان قصه مرد هست. برای من زن بودن و مرد بودن فرقی نمی‌کند.

● اغلب زنان داستان‌های شما، زنان قوی هستند؛ زنانی که نسبت به زمانه خود منفعل نیستند؟

این به دلیل تغییر زمانه هست. اکنون زمانه‌ای است که زن‌ها عوض شدند. حالا زنان با قدرت عمل می‌کنند.

● آیا شما برای خلق و نوشتن کاراکتر داستان‌هایتان، از قبل طراحی برای‌شان انجام می‌دهید؟

نه، معمولا طراحی‌ای برای کاراکترهایم ندارم.

● در مورد شکل‌گیری کتاب «زنان بدون مردان» بگویید؟

چند داستان کوتاه نوشته بودم. اصلا قرار بر نوشتن چنین کتابی نداشتم. داستان‌های کوتاهم را به هم وصل کردم و این‌طور شد که کتاب «زنان بدون مردان» شکل گرفت. هیچ‌کدام از کاراکترهای خلق شده در این کتاب، ما به ازای واقعی و بیرونی ندارند. بعدها کتاب بسیار مهم شد و به چند زبان دنیا هم ترجمه شد.

● برای نوشتن داستانی که مضمونی تاریخی دارد، پیش از نوشتن، تحقیق و پژوهش در آن مقطع تاریخی یا وقایع و رویدادهای آن زمان انجام می‌دهید؟

بله. اگر موضوع داستانم در فضا و بستر تاریخی اتفاق بیفتد، قطعا این کار را خواهم کرد.

● اگر قرار باشد فقط یک کتاب از مجموعه آثارتان را به نسل آینده معرفی کنید، آن کتاب کدام است؟

نمی‌توانم فقط یک کتاب را انتخاب کنم. همه کتاب‌هایم انتخاب من هستند.

● کتاب «زنان بدون مردان»، دستمایه ساخت فیلمی شد که شیرین نشاط به عنوان نخستین فیلم بلندش و با همین عنوان آن را ساخت. فیلم مورد توجه قرار گرفت و جایزه شیر نقره‌ای شصت و ششمین جشنواره فیلم ونیز را برای بهترین کارگردانی هم دریافت کرد. فیلم شیرین نشاط تا چه میزان به متن کتاب شما نزدیک و وفادار بود؟

قبل از ساخته شدن فیلم در جریان این کار بودم. حتی در فیلم بازی هم کردم. این فیلم زیاد شبیه کتاب من نیست، با این وجود اما فیلم خوبی است. یکی از نقاط قوت فیلم بداهه‌گویی بود. اکثر دیالوگ‌های فیلم بداهه و در صحنه اتفاق می‌افتاد.

● اگر قرار باشد یک جمله در مورد شهرنوش پارسی‌پور بگویید چی می‌گویید؟

شهرنوش پارسی‌پور، ۷۹ ساله است. همین.

● فضای نویسندگی این سال‌های ایران را چطور می‌بینید؟

به نظرم نسل بسیار خوبی در ایران مشغول نوشتن هستند و آثار قابل توجه و خوبی دارند.

● پس به جریان نویسندگی در ایران امیدوارید؟

آینده نویسندگی در ایران را بسیار بسیار درخشان می‌بینم.

● در این سال‌ها کدام نویسنده در ایران را دنبال می‌کردید؟

یعقوب یاوری و از خانم‌ها زویا پیرزاد.

● و حرف پایانی با مخاطبان این مصاحبه؟

به همه شما سلام می‌کنم. امیدوارم خوشبخت باشید و زندگی موفقی داشته باشید. اگر نویسنده هستید، امیدوارم بتوانید آثاری که دوست دارید منتشر کنید.

شخصیت مادربزرگم روی من سنگینی می‌کرد. به ویژه حالت روان پریشی که در پیری اتفاق افتاد، وقتی زیر فشارهای شدید عصبی بود، می‌دیدم که به گذشته و به کودکی‌اش باز می‌گردد و خاطرات میان ۵ تا ۶ سالگی آزارش می‌داد. طرح رمان «طوبی و معمای شب» را از حدود سال ۵۵ و ۵۶ در ذهن داشتم. ولی در اواسط سال ۵۷ و در جریان انقلاب، ناگهان با حضور گروهی و دسته جمعی زنان در خیابان مواجه شدم. این موضوع برایم جالب‌تر شد، چون تا آن زمان فقط یک مادربزرگ داشتم که به جستجوی خدا بیرون می‌رفت و بقیه خانگی بودند. اما ابدا تصور نکنید که «طوبی و معنای شب» زندگی مادربزرگم است یا قهرمان‌هایش واقعیت دارند، من به دلیل دینی که نسبت به او احساس می‌کردم اسمش را برای کتابم انتخاب کردم.

مجله «دنیای سخن» پاییز ۶۸

آگهی تحدید حدود اختصاصی (تجدیدی)

وفق مقررات ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و تبصره ذیل آن و همچنین پیرو آگهی نوبتی پلاک ثبتی ۲۳۹۵/۱۵۷۱۷۱ که طبق ماده فوق الذکر آگهی نوبتی آن می بایست همزمان منتشر شود اینک برابر ماده ۱۴ قانون ثبت آگهی تحدید حدود اختصاصی پلاک مذکور با مشخصات ذیل منتشر می شود (به علت عدم انتشار آگهی نوبتی نوبت اول آگهی تحدید حدود اختصاصی تجدید می گردد)
پلاک ثبتی ۲۳۹۵/۱۵۷۱۷۱ به نام خانم معصومه ایرانی فرزند احمدعلی، به صورت شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۷۷/۸۵ متر مربع واقع در بخش ده تهران، به نشانی تهران خیابان دامپزشکی کوچه کاظمیان خیابان سلیمی پلاک ۴۱
تاریخ تحدید حدود ۱۴۰۴/۰۵/۲۷
لذا به موجب مادتین فوق الذکر و همچنین رعایت مقررات ماده ۱۵ قانون ثبت (عدم تثبیت مجاورین) از صاحبان املاک و مجاورین پلاک های فوق الذکر دعوت می شود در وقت مقرر تحدید حدود که از ساعت ۱۰ صبح شروع می شود در محل حضور بهم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی ایشان حاضر باشند تحدید حدود با معرفی مجاورین به عمل خواهد آمد و برابر ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدید حدود اعتراضات تا سی روز پذیرفته خواهد شد و معترض می بایستی اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک رودکی تسلیم نماید و بایستی ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تسلیم نماید ضمنا طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون مصوب ۱۳۷۵/۳/۲۵ تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی که فاقد سابقه بوده و یا اعتراض آن ها در مراجع قضایی از بین رفته است معترض می بایست ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی محل وقوع ملک تسلیم نماید والا حق او ساقط خواهد شد.
۱۲۵۶۳ م الف — سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران – امید ملک
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۶۷

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سعید اعتمادی بوکالت از خانم انسیه حقیقت خو مستند به وکالتنامه شماره ۵۷۵۷۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ دفترخانه ۵۰ قزوین با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده به رمز تصدیق شماره ۹۴۵۷۷۹ دفترخانه ۶۸۶ تهران طی درخواست وارده ۸۵۶۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:
۱- نام و نام خانوادگی مالک: خانم انسیه حقیقت خو مالک ششدانگ
۲- شماره پلاک: ۱۳۴ فرعی از ۳۶۷۱ اصلی واقع در بخش پنج تهران
۳- علت گم شدن: جابجائی
۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی قطعه ۶ تفکیکی واقع در سمت شرقی طبقه دوم به شماره ۱۳۴ فرعی از ۳۶۷۱ اصلی مفروز و مجزی شده از شماره ۵ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۵ تهران، به مساحت هشتاد و سه متر و هشتاد و پنج دسیمتر مربع که مقدار سه متر و هشتاد دسیمتر مربع آن بالکن است بانضمام انباری مسکونی قطعه شش تفکیکی به مساحت هفت متر و چهارده دسیمتر مربع با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و آیین نامه اجرایی آن ذیل شماره ثبت ۲۰۹۰۲ صفحه ۵۲۹ دفتر ۱۷۷ به شماره چاپی ۳۹۴۸۲۰ به نام آقای عباس حقیقت خو ثبت و صادر گردیده است. و طبق سند قطعی شماره ۱۶۱۷۱ مورخه ۱۳۸۸/۳/۲۴ دفترخانه ۶۸۶ تهران به خانم انسیه حقیقت خو منتقل شده است؛ لذا با توجه به اعلام سرقت سند مالکیت اولیه ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
۱۲۵۶۵ م الف — رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران – الیاس صهبا
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۶۹

آگهی ابلاغ رای عدم افراز پلاک ثبتی ۴۸۲۶/۴۴۱۸ بخش ۷ تهران اخطار وفق ماده ۱۷ آئین نامه قانون اجرا

وجیه – بهناز – بهرام – فریبا – معصومه – ملیکا – مهدیه – علی اکبر شهرت همگی بیرامی و نیره رحیمی ملکی با توجه به اینکه بعضی از مالکین مشاعی پلاک ثبتی شماره ۴۸۲۶/۴۴۱۸ بخش ۷ تهران «مجهول المکان» هستند
در خصوص درخواست افراز پلاک ثبتی ۴۸۲۶/۴۴۱۸
خواهان: مریم بیرامی
خواندگان: وجیه – بهناز – بهرام – فریبا – معصومه – ملیکا – مهدیه – علی اکبر شهرت همگی بیرامی و نیره رحیمی ملکی
براساس گزارش ظهر شماره وارده ۵۴۰۰۲۹۴۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۸ نماینده و نقشه بردار این اداره نسبت به درخواست افراز پلاک ثبتی شماره ۴۸۲۶/۴۴۱۸ واقع در بخش ۷ تهران تقاضای وارده شماره ۵۴۰۰۰۵۷۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ بشرح ذیل اتخاذ تصمیم میگردد مورد تقاضا با توجه به نامه شماره ۶۴۲۳/۵۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ شهرداری منطقه ۱۵ تهران غیرقابل افراز تشخیص داده شده و مقرر است این نظریه وفق مقررات به علت مجهول المکان بودن مالکین مشاعی در یک نوبت منتشر گردد تا چنانچه اعتراضی دارند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی به مراجع ذیصلاح قضائی مراجعه نمایند.
۱۲۵۶۹ م الف — غلامرضا غضنفری – رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه خاوران تهران
تصمیم واحد ثبتی
مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک منطقه خاوران تهران
نظر باینکه خانم مریم بیرامی احدی از مالکین فوق درخواست افراز قدرالسهم ملکی مشاعی خود را نموده است استناد به قانون افراز و فروش املاک مصوب آذر ماه ۱۳۵۷ درخواست افراز سهم خود از پلاک ثبتی ۴۸۲۶ فرعی از ۴۴۱۸ اصلی واقع در بخش ۷ تهران را نموده و طبق گزارش وضعیت ثبتی اسناد مالکیت بشرح ذیل می باشد: ششدانگ یک قطعه زمین نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۴۸۲۶ فرعی از ۴۴۱۸ اصلی مفروز و مجزا شده از ۰ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۵ در طبقه و واقع در بخش ۰۷ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک خاوران تهران استان تهران به مساحت ۶۰/۵ متر مربع به حدود: شمالا: پی است بطول (۵/۱۵) پنج متر و پانزده سانتیمتر به قطعه چهار تفکیکی شرقا: در دو قسمت اول پی است بطول (۱/۰۰) یک متر به کوچه به عرضه دو متر پی است بطول (۱۰/۰۰) ده متر به قطعه شش تفکیکی جنوبا: پی است بطول (۵/۰۰) پنج متر به قطعه دوازده تفکیکی غربا: پی است بطول (۱۱/۰۰) یازده متر به شماره سیصد و بیست و سه فرعی از چهار هزار و چهارصد و هجده اصلی
مشخصات مالکیت: ششدانگ طبق سند ۴۱۹۴۰ مورخه ۱۳۶۳/۰۵/۰۳ دفتر ۳۱۳ به نام صفت اله بیرامی ثبت و سند صادر بعد دو دانگ به بتول اعظمی وصیت شده که به شرح زیر سند صادر شده است.
مالکیت بتول اعظمی فرزند علی اکبر شماره شناسنامه ۲۱ تاریخ تولد ۱۳۲۷/۰۵/۰۶ صادره از ساوه دارای شماره ملی ۰۶۰۲۷۴۰۵۷۶ سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان بانضمام بهای ثمنیه عرصه و اعیان چهار دانگ دیگر با شماره مستند مالکیت ۴۵۴۸ تاریخ ۱۳۸۲/۰۵/۱۹ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۸۳۷۲۴ سری ب سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۵۴۰۰۷۷۱۶ ثبت گردیده است. بعد صفت اله بیرامی طبق دادنامه ۱۴۰۰۹۶۶۲۴۷۱ مورخه ۱۴۰۰/۰۸/۰۳ شعبه ۷۹۱ مجتمع شماره ۱۵ شورای حل اختلاف فوت نموده وراث عبارتند از بتول اعظمی همسر و وجیهه و مریم با نام خانوادگی بیرامی دختران و احمد بیرامی پسر متوفی می باشد بعد بتول اعظمی هم طبق دادنامه ۱۴۰۲۹۱۳۹۰۰۰۹۱۵۴۲۳۲ مورخه ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ شعبه ۷۹۱ مجتمع شماره ۱۵ شورای حل اختلاف تهران فوت نموده وراث وجیه و مریم بیرامی و احمد بیرامی می باشند و بعد احمد بیرامی هم برابر دادنامه ۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۱۲۵۴۳۹۸۲ مورخه ۱۴۰۳/۰۷/۲۹ شعبه ۷۵۸ شماره ۱۵ شورای حل اختلاف فوت نموده وراث عبارتند از بهرام و علی اکبر پسران و بهناز و فریبا و ملیکا و معصومه و مهدیه دختران همگی نام خانوادگی بیرامی و نیر رحیمی ملکی همسر متوفی می باشد.
محدودیت طبق سوابق موجود در پرونده مورد ثبت فاقد رهن و بازداشت می باشد
ب) خانم مریم بیرامی احدی از مالکین فوق درخواست افراز سهمی خود را نموده است
پ) طبق سوابق پرونده ثبتی سابقه تعارض مشاهده نگردید علی ایحال مراتب در اجرای ماده ۲ آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع جهت امعان نظر و صدور اوامر عالی گزارش و تقدیم می گردد.
اینک با بررسی بعمل آمده توسط اینجانبان حسن زاده و نماینده و نقشه بردار ثبت خاوران تهران بعلت عدم قابلیت افراز ملک مزبور با توجه به گزارش کارشناسی شهرداری منطقه ۱۵ تهران برابر نامه شماره ۵۱۵/۶۴۲۳ مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ در اجرای مقررات ماده ۱۰۱ قانون شهرداری ملک مرقوم را غیر قابل افراز تشخیص داده است لذا بدینوسیله مراتب عدم قابلیت افراز ملک موصوف بموجب ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع به طرفین دعوی ابلاغ می گردد تا چنانچه اعتراضی دارند ظرف مدت ۱۰ روز پس از رویت اعتراض خود را به مرجع قضائی تسلیم نمایند.
نماینده ثبت: نقشه بردار ثبت: متقاضی:
تصمیم واحد ثبتی: با عنایت به نظریه کارشناسان و گواهی شهرداری مبنی بر احراز عدم قابلیت افراز ملک مورد تقاضا مراتب در اجرای مقررات ماده ۲ قانون افراز و مادتین ۵ و ۶ آئین نامه به مالکین ابلاغ تا در صورت اعتراض طبق ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع به مرجع قضائی مراجعه نمایند.
۱۲۵۶۹ م الف — رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه خاوران تهران – غلامرضا غضنفری
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۳

آگهی تحدید حدود اختصاصی (تجدیدی)

وفق مقررات ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و تبصره ذیل آن و همچنین پیرو آگهی نوبتی پلاک ثبتی ۲۳۹۵/۱۵۷۱۷۰ که طبق ماده فوق الذکر آگهی نوبتی آن می بایست همزمان منتشر شود اینک برابر ماده ۱۴ قانون ثبت آگهی تحدید حدود اختصاصی پلاک مذکور با مشخصات ذیل منتشر می شود (به علت عدم انتشار آگهی نوبتی نوبت دوم آگهی تحدید حدود اختصاصی تجدید می گردد)
پلاک ثبتی ۲۳۹۵/۱۵۷۱۷۰ به نام خانم معصومه ایرانی فرزند احمدعلی، به صورت شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۴۹/۰۲ متر مربع واقع در بخش ده تهران، به نشانی تهران خیابان دامپزشکی خیابان سلیمی کوچه کاظمیان پلاک ۳۵
تاریخ تحدید حدود ۱۴۰۴/۰۵/۲۷
لذا به موجب مادتین فوق الذکر و همچنین رعایت مقررات ماده ۱۵ قانون ثبت (عدم تثبیت مجاورین) از صاحبان املاک و مجاورین پلاک های فوق الذکر دعوت می شود در وقت مقرر تحدید حدود که از ساعت ۱۰ صبح شروع می شود در محل حضور بهم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی ایشان حاضر باشند تحدید حدود با معرفی مجاورین به عمل خواهد آمد و برابر ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدید حدود اعتراضات تا سی روز پذیرفته خواهد شد و معترض می بایستی اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک رودکی تسلیم نماید و بایستی ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تسلیم نماید ضمنا طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون مصوب ۱۳۷۵/۳/۲۵ تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی که فاقد سابقه بوده و یا اعتراض آن ها در مراجع قضایی از بین رفته است معترض می بایست ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی محل وقوع ملک تسلیم نماید والا حق او ساقط خواهد شد.
۱۲۵۶۴ م الف — سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران – امید ملک
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۶۸

آگهی ماده ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرآرا تهران بموجب رای صادره شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۸۰۰۰۰۲۴۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ مالکیت آقای میثم اصلانی بالسینی متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۱۰۸۰۰۰۰۰۱۰ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۳۹/۱۴ متر مربع مفروز و مجزی شده از باقیمانده پلاک ۲۳۹۵ اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران تائید نموده است لذا مفاد آراء صدرالذکر با استناد ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد تا در صورتیکه شخص یا اشخاص ذینفع به آراء صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرآرا تهران تسلیم و رسید دریافت دارند مضافا اینکه معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تسلیم نماید، در این صورت اقدامات اداره ثبت موکول به رای دادگاه می باشد و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک را ارائه ننماید اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید بدیهی است صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمیباشد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
۱۲۵۶۷ م الف — رییس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرآرا تهران – کمال شاکری
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۱

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای تیمور شایسته با وکالت نامه بشماره ۸۵۳۳۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۰ دفترخانه ۵۰ نور با وکالت از طرف آقای حسین فرهادی با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده به شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۴۰۷۶۹۰۰۰۰۰۰۸ و رمز تصدیق ۸۱۵۳۴۹ شماره ترتیب ۱۰ و ۹ دفترخانه ۵۸۲ نور طی درخواست وارده شماره ۱۴۰۴۸۵۶۰۱۰۲۶۰۰۷۴۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد.
۱- نام و نام خانوادگی مالک: حسین فرهادی
۲- شماره پلاک: ۱۷۱۷ فرعی از ۲۸ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران
۳- علت گم شدن: مفقودی بدلیل اسباب کشی
۴- خلاصه وضعیت مالکیت: ابتدا سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ۱۷۱۷ فرعی از ۲۸ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۹۹۰ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۹ در غرب راه پله شمال طبقه ۱، بخش ۱۱ تهران به مساحت ۱۴۶/۵ متر مربع بانضمام انباری قطعه ۲۱ بمساحت ۲/۶۶ متر مربع ذیل ثبت ۲۷۴۸۹۷ صفحه ۲۲ دفتر ۹۹۷ به نام آزاده فرجامی ثبت و سند مالکیت با شماره چاپی ۵۲۷۹۸۷ صادر گردیده است سپس بموجب انتقال قطعی شماره ۴۹۸۱۸ مورخ ۸۶/۰۹/۲۰ دفترخانه ۶۵ تهران ششدانگ فوق به آقای حسین فرهادی فرزند ولی اله به شماره ملی ۲۲۲۹۷۲۸۸۲۲ منتقل گردیده است و بموجب دستور نامه بشماره ۱۳۹۶۱۶۸۰۰۱۲۶۴۲۳۴ مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۰۸ اجرای احکام شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی عدالت تهران و بموجب دستور شماره ۱۳۹۶۱۶۸۰۰۱۴۴۰۲۴۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۱۵ اجرای احکام شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی عدالت تهران بازداشت می باشد.
لذا با توجه به اعلام فقدان سند مشاعی مالکیت ملک فوق الذکر (بشماره چاپی ۵۲۷۹۸۷) و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنای سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
۱۲۵۶۸ م الف — کفیل حوزه ثبت ملک قلهک تهران – علی خرازی آذرپور
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۲

گزارش میدانی از آتشی که به جان نخلستان‌های آبادان افتاد

دود، آتش و نخل‌های کمرشکسته

مردم آبادان در غم سوختن ۲۰ هزار نخل، به سوگ نشسته‌اند

قاسم آل کثیر
هفت صبح

بوی زُهم و تندی هوا را پر کـــرده؛ بویی که با دود و گرمایی کـــه از دل نخل‌های آتش گرفته بیرون می‌زند، هماهنگی غم‌انگیزی را به تصویر کشیده؛ درست مانند تابلویی که دست طبیعت کشیده تا صحنه‌ای غم‌انگیز را به یـــادگار در دل تاریخ ثبت کند؛ صفحه‌ای از نخل‌هایی که تا چشم کار می‌کند پشت سرهم منظم صف کشیده‌اند و تا همین چند روز قبل، نمادی بودند از «زندگی» و سرســـبزی و حیات؛ حیاتی که حالا بنا بـــه دلایل نامعلومی با شـــعله‌های آتش به تلی از خاکستر بدل شده و صحنه‌ای دلخراش از نخل‌های سوخته و جزغاله شـــده که از نفس افتاده‌اند را رقـــم زده‌اند. گفته می‌شود بیش از ۲۰ هزار اصله از بین رفته است.

نخلستان‌هایی عزیز مثل فرزند

شوخی نیست؛ از بین رفتن ۲۰ هزار اصله درخت خرما در منطقه‌ای که قطب اصلی تامین خرمای کشور است؛ نخل‌هایی که به گفته اهالی روستاها، مانند فرزندانشـــان برایشـــان عزیزند و مهم. این حادثه که هنوز چند روزی از آن نگذشـــته، بازار فروش خرما را به‌هم ریخته و باعث شده تا قیمت این محصول به یک‌باره رشدی نجومی داشته باشد. البته نه فقط نخل‌ها که چندین خانه روســـتایی هم از گزند نیش آتش بی‌رحـــم در امان نماندند. مردم روســـتاهای آبادان، به خصوص روســـتای «کوت‌شـــنوف» در بخش «اروندکنار» حالا هم داغدار باغستان‌هایشـــان هســـتند و هم داغدار خانه‌هایی که دیگر ندارند! تنها در یک روســـتا ۴ خانه به آتش قهر طبیعت، خاکستر شده و دیگر سرپناهی برای خانواده‌هایی که روزگاری زیر سقف آنها هلهله و شادی می‌کردند و نمادی از سرزندگی بودند، نیستند.

از شوری آب تا آتش داغ

آبادان و خرمشهر سال‌هاست با مصائب مختلف دست و پنجه نرم می‌کنند. از شوری آب که جان هزاران نفر نخل را طی سال‌های متمادی گرفته تا امروز که آتش‌سوزی هم به فهرست بلایا اضافه شده؛ شعله‌های بی‌رحمی که به جان شش روستا افتاد و چندین نخلســـتان در روستاهای مختلف و چهار خانه و یک کارگاه تولیدی در روســـتای «شنوف» را با خاک یکســـان کرد. اینجا خانه‌ها کاملا دل بـــه دل نخلســـتان‌ها داده‌اند و طوری ساخته شده‌اند که یک در آن به داخل نخلستان‌ها و در دیگر آنها به محوطه روستا راه دارد. بومی‌ها می‌گویند گرما علت اصلی حادثه بوده ولی هنوز دلیل اصلی آن مشخص نیست! «داود» از اهالی یکی از همین روســـتاها به هفت‌صبح می‌گوید: اینجا روستاها به یکدیگر نزدیکند و نخلستان‌ها تقریبا به هم چسبیده. بنابراین بعد از آتش گرفتن یک نخلستان، به سرعت آتش به سایر نخلستان‌ها و روستاها سرایت کرده است. محمد و همسرش ســـاکن یکی از همین خانه‌ها هســـتند؛ خانه‌ای کوچک با دو اتاق که در یکی محمد ۲۸ ســـاله و همســـرش زندگی می‌کنند و در دیگری خانواده پدری‌اش. شدت حرارت شعله‌های آتش، چیزی از اسباب و اثاثیه آنها باقی نگذاشته و همه چیز به معنای واقعی ذوب شـــده؛ گویا خانه ماکتی است که آن را در تنوری داغ انداخته باشند! محمد در مورد اتفاقات آن روز بـــه «هفت‌صبح» می‌گوید: اصلا نفهمیدیم چه شـــد... عصر بود و گرمای هوا بیداد می‌کرد. با همســـرم در اتاقمـــان بودیم که یکدفعه احساس کردیم هوا سنگین شد و بعد از چند ثانیه هم بوی دود ناشـــی از سوختن چوب همه جا را گرفت. به نخلستانی که حالا دیگر جز تلی از خاک از آن باقی نمانده، اشـــاره می‌کند و با افســـوس ادامه می‌دهد: دویدم داخل نخلستان. اصلا باورم نمی‌شـــد. انگار وارد جهنم شده بودم. هر جایی را که نگاه می‌کردی، آتش بود و دود. یک لحظه فکر کردم مرده‌ام و در جهنمم. تنها کاری که توانستیم انجام دهیم این بود که خانه را خالی کنیم و جانمان را نجات دهیم.

> نکته
> **استاندار خوزستان: این آتش‌سوزی حادثه کمی نبود و به‌طور جدی معیشت کشاورزان را تحت تاثیر قرار داده. در دولت و استانداری، این موضوع را هم‌زمان در سطح استانی و ملی پیگیری می‌کنیم و تا حصول نتیجه نهایی هیچ‌گونه کوتاهی نخواهیم کرد**

وعده‌های مسئولانه!

«محمدرضا موالی‌زاده» اســـتاندار خوزســـتان، با حضور در میان اهالی روســـتای کوت‌شـــنوف و نخلستان‌های ســـوخته، بر لزوم جبران فوری خســـارات و حضور عملیاتی همه دســـتگاه‌های اجرایی برای کمک به آسیب‌دیدگان تاکید کرد. موالی‌زاده با اشـــاره به ابعاد گسترده خسارات به «هفت‌صبح» می‌گوید: این آتش‌ســـوزی حادثه کمی نبود و به‌طور جدی معیشـــت کشاورزان را تحت تاثیر قرار داده. در دولت و اســـتانداری، این موضوع را هم‌زمان در سطح استانی و ملی پیگیری می‌کنیم و تا حصول نتیجه نهایی هیچ‌گونه کوتاهی نخواهیم کـــرد». وی با تاکید بـــر اهمیت تعیین دقیق علت وقوع آتش‌ســـوزی، تصریح می‌کند: «دســـتگاه‌های مربوطه موظف‌اند در اسرع‌وقت با بررســـی‌های کارشناسی، منشـــا آتش‌سوزی را مشـــخص کنند». به گفته وی مقرر شده تا به آسیب‌دیدگان این آتش‌سوزی‌ها وام کم‌بهره داده شود اما محمد و سایر خسارت‌دیدگان استقبالی از این پیشنهاد نمی‌کنند. «عبدو» یکی از همین خسارت‌دیدگان در این مورد می‌گوید: وام کم‌بهره به چه کار ما می‌آید؟ وقتی درست زمان برداشت محصول، همه زندگی و داروندارمان را از دســـت داده‌ایم، از کجا باید اقســـاط این وام‌ها را بدهیم؟ وقتی که حتی یک سرپناه نداریم، وام به چه درد می‌خورد؟!

انتقادهایـــی کـــه باعث می‌شـــود اســـتاندار با دســـتگاه‌های مربوطه تماس بگیرد تـــا در گام اول، وسایل اولیه ساکنان خانه‌هایی که در آتش سوخته‌اند را به صورت بلاعوض تامین کنند و بیمه کشاورزی آنها را نیز فعال کنند.

آتش از نخیلات تا پالایشگاه

انگار ناف آبادان را در تیر ماه امسال با آتش‌سوزی بریده‌اند. عـــلاوه بر حادثه حریق نخلســـتان‌ها، روز یکشنبه ۲۹ تیرماه، آتش‌ســـوزی دیگری در پالایشـــگاه آبادان رخ داد که علـــت آن، به گفته استاندار، فرسودگی تجهیزات و به‌ویژه برج تقطیر بوده؛ حادثه‌ای که در جریان آن یک کارگر فوت شـــد و دو نفر دیگر دچار مصدومیت شدند. البته استاندار خوزستان اطمینان داد که روند تولید و تامین سوخت در استان بدون اختلال ادامه خواهد یافت. اینها گوشه‌های تلخی از قاب تصویر دردناکی اســـت که می‌تواند ترســـیم‌کننده گوشه‌هایی از فاجعه رخ داده و حال و روز ایـــن روزهای آبادان و روستاهای اطراف باشـــد؛ حوادث مستمری که زنگ خطری برای زیرســـاخت‌های فرسوده و شرایط اقلیمی بحرانی در خوزستان محسوب می‌شوند. مردم مظلوم آبادان، روی گنجی از طلای ســـیاه زندگی می‌کنند اما در انتظار اعلام نتایج نهایی بررسی‌ها و آغاز اقدامات عملی برای جبران خســـارات وارده هســـتند؛ اقداماتی که شاید بتواند باعث شود تا دوباره دست به زانو بگیرند و یا علی بگویند و زندگی را از نو بسازند.

۷

«داود» از اهالی روستای شنوف: اینجا روستاها به یکدیگر نزدیکند و نخلستان‌ها تقریبا به هم چسبیده. بنابراین بعد از آتش گرفتن یک نخلستان، به سرعت آتش به سایر نخلستان‌ها و روستاها سرایت کرده است

مردم روستاهای آبادان، به خصوص روستای «کوت‌شنوف» در بخش «اروندکنار» حالا هم داغدار باغستان‌هایشان هستند و هم داغدار خانه‌هایی که دیگر ندارند

روایت

روایت آدم‌ها؛ در مسیر فرودگاه

از مرده‌سوزی تا رانندگی اسنپ

لیلا مهداد
هفت صبح

هنوز نیم‌ســـاعتی به ۱۲ ظهر روز جمعه مانده و باید هرچه زودتر برسم به فرودگاه مهرآباد. بالاخره بعد از کلی صبوری و جست‌وجو در اسنپ، پراید نقره‌ای قبول می‌کند تا فرودگاه همراهی‌ام کند. گرما نفس را در ســـینه حبس می‌کند و در این وضعیت دیدن شیشـــه‌های بالا، نوید کار کردن کولر ماشین را می‌دهد. ابروهای راننده گره کوری به خود انداخته. سر تا پا مشکی پوشیده به غیر از دستکش‌های سفید نخی که به دست دارد. از همان اول که کلاج را می‌گیرد تا دنده را جا بیندازد زیر لب غر می‌زند. از آن مردان جاافتاده است که در مرز دهه ۵۰ زندگی‌شان هستند. غر اولش گرما را نشانه رفته و بلافاصله از رسم و بی‌رسمی روزگار شکایت می‌کند. «روزگار همیشه با من سر ناسازگاری داشته و گرنه چرا باید نوزاد ۲ ساله بی‌مادر شود». حرفی نمی‌زنم تا راحت حرف‌هایش را بزند. گاهی وقت‌ها آدم‌ها دوست دارند، بلندبلند فکر کنند. «خانم ناف ما رو با بدبختی بریدند». «ناشکری نکنید، خدا قهرش می‌گیرد»؛ این را می‌گویم تا شاید کمی از دردهایش کم شود.

از وقتی که به یاد دارد کار کرده، اولین تجربه‌های کاری‌اش به تابستان‌های دوران مدرسه‌اش برمی‌گردد؛ روزگاری که یک تابستان کمک مکانیک بوده و تابستان بعد وردست استاد نجاری می‌ایستاده تا مخارج مدرسه‌اش را دربیاورد. او دوران رونق سفر به ژاپن را هم به یاد دارد، چون با هزار بدبختی پول پروازش به ژاپن را جور کرده و راهی کشوری شـــده که می‌گفتند کار در آن هفت‌پشت آدم را بی‌نیاز می‌کند. کم‌کم که حرف می‌زند گره از ابروانش باز می‌شود و یک لبخند زورکی می‌افتد گوشه لب‌هایش. همان‌طور که دنده عوض می‌کند و به راننده‌ای که از او سبقت غیرمجاز گرفته، تشر می‌زند از دوران سخت زندگی در ژاپن می‌گوید؛ از روزهایی که با هر سوزاندن مرده، برای خودش و مرده، میان آتش گریه می‌کرده. ژاپن برای راننده اخموی دم‌ظهر روز جمعه پر از محرومیت بوده؛ «کم خوردم و نپوشـــیدم تا این‌قدر پول جمع کنم که خیالم از فردا راحت باشد». رنج‌هایش نتیجه می‌دهد و بالاخره پول راه‌انداختن یک کارگاه نقلی را جمع‌وجور می‌کند و راهی تهران می‌شود. همه چیز خوب پیش می‌رود و راننده اخمو دختر همسایه را عروس می‌برد به خانه‌اش. کار و کاسبی‌اش بد پیش نمی‌رود و صاحب دو پسر می‌شود. از همان روز اول دامادی عهد می‌کند مرد خانه و زن و بچه‌هایش شود تا آب در دلشان تکان نخورد. مرد روی عهدش می‌ماند اما گویی همیشه همه‌چیز دست خودمان نیست و روزگار برنامه‌های دیگری برایمان چیده. کارگاه نقلی مرد با تلاش‌های زیادش قد می‌اندازد و بزرگ‌تر می‌شود تا اینکه ۴۰ نفری را زیر بال‌وپرش می‌گیرد تا شرمنده سفره خالی خانه‌شان نشوند. «سرمایه‌ای هم جور کرده بودم تا کاسبی‌ام را بزرگ‌تر کنم. به اهل خانه قول داده بودم اگر همه‌چیز خوب پیش رفت خانه‌ای در جای بهتر شهر بگیرم اما...» در میانه رویابافی‌های مرد، کسی به او پیشنهاد شراکت می‌دهد تا بتوانند مشـــتری‌هایی از ترکیه پیدا کنند. پیشنهاد شریک جدید مرد را وسوسه می‌کند اما سرمایه اولیه کفاف این بلندپروازی را نمی‌دهد و در نهایت مرد و شریکش تصمیم به قرض و وام گرفتن می‌کنند تا سال ۱۴۰۳ را با کلی رویا شروع کنند. وام‌ها و قرض‌ها و حتی سرمایه اولیه، روی هم کلی جنس درجه یک می‌شوند که گوشه انباری کارگاه و یک انباری استیجاری تلنبار می‌شود. «همه زندگی‌ام در یک چشم برهم زدن سوخت و رفت هوا».

صبح روزی که قرار بود کارگران و خودشان کرکره‌های کارگاه را بالا بزنند و یا علی بگویند برای شروع کار، مرد راهی بیمارستان می‌شود. «صبح رفتم کارگاه دیدم، جارو کشیدند و همه دستگاه‌ها را بردند. مستقیم رفتم انبار کارگاه دیدم یک پر کاه هم نیست. دیگر چیزی نفهمیدم و چشم باز کردم دیدم بیمارستان مدائنم».

شـــریک نامردش از همان روز غیبش زده و حتی خانواده‌اش مدعی‌اند خبری از او ندارند. حتی نامزدش هم از او بی‌خبر است. نفســـی چاق می‌کند و ادامه می‌دهد: «پلیس هم ردی از او پیدا نکرد». دنده را چاق می‌کند و پا روی پدال گاز می‌زند تا شاید زودتر به مقصد برسد و سریع‌تر از آن، خاطرات نه چندان خوشایند گذشته‌اش را فراموش کند. اما خدا را شکر... همین که سالمم و بنیه کار کردن دارم راضی‌ام...»

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مولوی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۱۰۴۲۰۰۱۵۹۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۹ هیات اول قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران تصرفات مالکانه متقاضی آقای فرحان رخشنده فرزند علیرضا بشماره شناسنامه ۲۴۶ صادره از عراق در یک باب خانه به مساحت ۴۲/۱۰ متر مربع پلاک ۲۲۶ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی واقع در بخش ۶ ثبت مولوی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
۱۲۵۶۶ م الف
رئیس ثبت اسناد و املاک - الیاس صهبا
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۲۸۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۴/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محرم جهانگیری فرزند علی بشماره شناسنامه ۹۶۳۸ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۱۹ متر مربع پلاک ۲۱۶۰ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۲۴۱ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی خانم مهری سعادتی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
۱۲۵۷۰ م الف
رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد تهران - خداداد بشیری
شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای صادره به شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۲۹۸۲ مورخ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ درهیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی شهرستان نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۵۰۰۱۷۰۵ مراد بازوند به ش ش ۶۵۶ به ش ملی ۳۹۶۰۸۹۳۵۶۶ صادره از – فرزند دوست مراد در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۶۸۷.۲۴ مترمربع پلاک ثبتی ۴۱۲ فرعی از ۳۷- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبتی شهرستان نهاوند روستای سفید خانی قرار دارد انتقالی از مالک رسمی ملک (سند مالکیت مشاعی) محرز گردیده است. که حقوق ارتفاقی ندارد

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف: ۲۸۵۵

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نهاوند -حمیدرضا حجتی
تاریخ انتشار اول ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

حوادث

عمو و برادرزاده اتهام قتل مرد همسایه‌شان را به گردن یکدیگر انداختند

گره کور در پرونده قتل گدای میلیونر تهرانپارس

بعد از قتل پیرمردی که زندگی‌اش را با گدایی از مردم می‌گذراند چندین میلیون پول نقد او سرقت شده بود و تحقیقات جنایی ماموران را به یک عمو و برادرزاده رساند اما آنها به رغم وجود ادله و مدارک اتهام خود را نپذیرفتند

فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

اواخر فروردین ماه سال ۱۴۰۰ همسایه‌های مرد ۷۰ ساله‌ای به نام فریدون پلیس را در جریان استشمام بوی تعفن از خانه این مرد گذاشتند. یکی از همسایه‌ها به پلیس گفت: «همســـایه‌مان یک پیرمرد تنهاست که زندگی‌اش را با کمک مردم می‌گذراند. او هر روز لباس‌های مندرسی بر تن کرده و در خیابان گدایی می‌کرد تا بتواند امرار معاش کند. ما می‌دانستیم که او تنها یک خواهر دارد که در شهرستان زندگی می‌کرد. چند روزی بود که فریـــدون را در محل نمی‌دیدم و گمان می‌کردیم شاید او به خانه خواهرش رفته است تا اینکه از خانه‌اش بوی بدی به مشام رسید و حدس زدیم شاید برایش اتفاق ناگواری افتاده باشد.» با این گزارش ماموران جنایی وارد خانه فریدون شـــده و جسد او را در حالی که دست و پاهایش بسته شده و با نخ شیرینی به قتل رسیده بود کشف کردند. این در حالی بود که حدود ده روزی از قتل می‌گذشـــت. در ادامه تحقیقات خواهر مقتول به ماموران اعلام کرد که برادرش هر چند در ظاهر زندگی فقیرانه‌ای داشته اما دفترچه حسابی داشته که در آن ۲۲۰ میلیون تومان پول بوده که بعد از قتل آن حســـاب خالی شده بود. همچنین گوشی تلفن همراه مقتول سرقت شده بود. خواهر مقتول در ادامه به ماموران گفت: «برادرم این اواخر می‌گفت احساس خطر می‌کند و حدس می‌زند افرادی قصد سرقت از او را دارند.»

دستگیری متهمان

با تحقیقات انجام شده مشخص شد خط تلفن همراه مقتول توسط مرد جوانی به نام سیاوش روشن شده است. ردزنی تلفن همراه نشان می‌داد سیاوش یک بار گوشی را چند ساعت بعد از قتل و یک بار چند روز بعد از قتل روشن کرده است. به این ترتیب این جوان که از همسایگان فریدون هم بود به عنوان تنها مظنون پرونده تحت تعقیب قرار گرفت اما در ادامه مشخص شد که او روز بعد از قتل فریدون به صورت قانونی از کشور خارج شده و به ترکیه رفته است. در حالی که ردیابی‌های جنایی ادامه داشت، با گذشت یک سال از قتل فریدون ســـیاوش در شهرستان پردیس شناسایی و دستگیر شـــد و معلوم شد که پنهانی و غیرقانونی وارد کشور شده است. همچنین صاحب کار سیاوش در تعمیرگاه، بعد از خروج این جوان از کشور بابت ســـرقت یک خودروی زانتیا از تعمیرگاه و فروش لوازم یدکی خودرو؛ از او شکایت کرده بود. ســـیاوش در برخورد ابتدایی با ماموران گفت: «من به همراه برادرزاده‌ام به نام آرمین زانتیا را سرقت کردیم. اما در مورد گوشی سرقت شده چیزی نمی‌دانم و آن را آرمین به من داد.»

با اعترافات سیاوش برادرزاده‌اش نیز دستگیر شد و ادعا کرد سرقت گوشی و زانتیا هر دو کار عمویش بوده است. اما در ادامه سیاوش کلا منکر اتهاماتش شد و گفت ســـرقت زانتیا نیز کار آرمین است. در حالی که متهمان هرگز به قتـــل فریدون اعتراف نکردند؛ پرونده با در دســـت داشتن ادله و مدارکی از جمله فرار متهـــم بعد از قتل بـــه ترکیه و ورود غیرقانونی به کشور و همچنین سرقت گوشی تلفن همراه مقتول، با صدور کیفرخواست برای متهمان برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

در دادگاه

سیاوش در جلسه رسیدگی به اتهام قتل در دفاع از خود گفت: «من اتهامم را قبـــول ندارم. خروج من از کشـــور و قتل فریدون به صورت تصادفی هم زمان شده است. من قبلا دو زن طلاق داده و با همسر سومم ازدواج کرده‌ام. او هم می‌خواست از من طلاق بگیرد و من توانایی پرداخت مهریه‌اش را نداشتم برای همین از کشور فرار کردم.» قاضی از او پرسید: «علت ورود پنهانی و غیرقانونی تو به کشور چه بود؟»

متهم گفت: «من اصلا قصد بازگشت نداشتم تا اینکه همسر دومم تماس گرفت و گفت دخترمان مریض است و من پنهانی وارد خاک کشور شدم تا همسر سومم متوجه ورود من نشـــود.» متهم در ادامه در مورد سرقت‌ها گفت: «گوشی موبایل را آرمین در ماشینم جا گذاشته بود. من نمی‌دانم آن را از کجا سرقت کرده بود. او اعتیاد دارد و زیاد سرقت می‌کرد. برای همین روشنش کردم تا بفهمم برای چه کسی است. ماشین را هم آرمین از صاحب کارم دزدید و من در جریان نبودم.» قاضی گفت: «اما تصویر تو در دوربین مدار بسته با ماشین سرقتی ضبط شده.» متهم گفت: «من دقیقا یک خودروی زانتیا با همان رنگ دارم و آن تصویر ماشـــین خودم بود.» سپس آرمین به دفاع پرداخت و گفت: «گوشی و زانتیا را عمویم دزدید. او به من گفت گردن بگیر چون من زن و بچه دارم. من حتی نمی‌دانستم گوشی متعلق به یک مقتول است.» در حالی که رسیدگی به اتهام قتل در شعبه دهم دادگاه ادامه دارد، قضات شعبه سوم در مورد شـــکایت صاحبان مال بابت موضوع سرقت رای خواهند داد.

قیمت‌گذاری عجیب اینتر و بازار سرد

طارمی در بن‌بست ۸ میلیون یورویی

امید ذاکری نیا
دبیر ورزش

باشگاه اینترمیلان در ماه‌های اخیر تلاش کرده تا چند بازیکنش را واگذار کند که در میان آن‌ها نام مهدی طارمی، کریستیان آسلانی و سباستیانو اسپوزیتو دیده می‌شود. اما حالا خبر می‌رسد قیمت‌های بالای تعیین شده از سوی باشگاه باعث شده است که هیچ‌یک از باشگاه‌های علاقه‌مند نتوانند با اینتر به توافق برسند.

مهدی طارمی، مهاجم ایرانی که از ژانویه ۲۰۲۴ از پورتو به اینترمیلان پیوسته است، فصل اول سختی را در سن سیرو پشت سر گذاشت. با ورود مربی جدید، کریستیان چیفو، جایگاه طارمی در تیم به شدت تضعیف شد و به نظر او در برنامه‌های اینتر جایی ندارد. به همین دلیل، باشگاه تصمیم گرفته است طارمی را در فهرست فروش خود قرار دهد اما دستمزد سالیانه ۳ میلیون یورویی این بازیکن و قیمت ۸ میلیون یورویی او باعث شده است که انتقال وی به آسانی انجام نشود.

بازار بی‌اشتها

باشگاه اینتر در تلاش است تا با فروش چند بازیکن خارج از برنامه، از جمله کریستیان آسلانی و سباستیانو اسپوزیتو، وضعیت مالی خود را بهبود بخشد و فضای بیشتری برای بازیکنان جدید فراهم کند. آسلانی که در رأس فهرست فروش اینتر قرار دارد، به‌دلیل درخواست ۱۸ میلیون یورویی باشگاه، پیشنهادی از فیورنتینا دریافت نکرد و حتی پیشنهادی از رئال بتیس را رد کرده است. این شرایط باعث شده تا او همچنان در اینتر باقی بماند و وضعیتش در سن سیرو پیچیده باقی بماند.

همچنین سباستیانو اسپوزیتو که قراردادش در حال پایان است، مورد توجه تیم‌هایی قرار گرفته اما اینتر حاضر نیست او را با قیمتی کمتر از ۷ میلیون یورو واگذار کند.

بشیکتاش، پیشتاز جذب طارمی

در میان تمام باشگاه‌های علاقه‌مند به جذب مهدی طارمی، تیم ترکیه‌ای بشیکتاش بیشترین تلاش را برای جذب این بازیکن انجام داده است. طبق گزارش‌ها، بشیکتاش تماس مستقیم با اطرافیان طارمی برقرار کرده و پس از دریافت سیگنال‌های مثبت از این مهاجم، آماده است مذاکرات را شدت بخشد و او را به استانبول بیاورد.

با این حال، باشگاه ترکیه‌ای تمایل دارد طارمی را به صورت انتقال آزاد به خدمت بگیرد، اما اینتر برای فروش طارمی مبلغی حدود ۸ میلیون یورو تعیین کرده که این موضوع به مانعی بزرگ در مسیر انتقال تبدیل شده است.

دیگر گزینه‌ها

فولام و وستهام یونایتد نیز از جمله باشگاه‌هایی هستند که به جذب طارمی علاقه نشان داده‌اند اما هنوز مذاکرات جدی و پیشرفتی در این زمینه گزارش نشده است. همچنین بازگشت احتمالی طارمی به پورتو نیز به عنوان گزینه‌ای مطرح است که ممکن است در صورت عدم توافق با سایر تیم‌ها، در دستور کار قرار بگیرد.

وضعیت نامعلوم

مهدی طارمی که یک سال پیش با انتظارات بالا به اینتر آمد، حالا در وضعیتی نامشخص قرار دارد و تلاش‌های باشگاه برای فروش او تاکنون با مانع مواجه شده است. از سوی دیگر، باشگاه اینتر با تعیین قیمت‌های بالا برای بازیکنانش تلاش دارد تا بهترین شرایط مالی را برای واگذاری‌ها فراهم کند اما این رویکرد باعث شده که تاکنون هیچ توافق جدی با خریداران شکل نگیرد.

با توجه به علاقه شدید بشیکتاش و احتمال ورود سایر تیم‌ها، باید دید در روزهای آینده چه سرنوشتی برای مهاجم ایرانی رقم خواهد خورد و آیا اینتر می‌تواند با حفظ سیاست قیمت‌گذاری خود، بازیکنان خارج از برنامه‌اش را به فروش برساند یا نه.

گزارش

المپیک ۲۰۳۶ به خاورمیانه می‌رسد

جاه‌طلبی بی‌پایان قطر در ورزش

کمیته المپیک قطر اعلام کرد در حال مشارکت در گفت‌وگوهای جاری با کمیته بین‌المللی المپیک برای میزبانی بازی‌های المپیک و پارالمپیک سال ۲۰۳۶ در دوحه است. این روند در چارچوب سازوکار جدید انتخاب شهر میزبان انجام می‌شود. شیخ جوعان بن حمد آل ثانی، رئیس کمیته المپیک قطر و رئیس کمیته پرونده میزبانی، گفت: «ما ورزش را به محور استراتژی ملی خود تبدیل کرده‌ایم و اکنون در تلاشیم با ارائه الگویی نوین، نقش منطقه خود را در سطح جهانی تقویت کنیم». او افزود که ۹۵ درصد زیرساخت‌های لازم برای المپیک آماده است و برنامه‌ای جامع در حال اجراست تا این رقم به ۱۰۰ درصد برسد. در صورتی که قطر موفق به کسب میزبانی شود، این کشور نخستین میزبان بازی‌های المپیک در خاورمیانه و شمال آفریقا خواهد بود؛ اتفاقی که به گفته کمیته المپیک قطر می‌تواند مدلی عربی و منحصربه‌فرد از المپیک بر پایه تنوع، گشودگی و میراثی پایدار ارائه دهد. نخست‌وزیر قطر نیز اعلام کرد این نامزدی، مرحله‌ای تازه در مسیر دستاوردهای ملی و نماد جایگاه برجسته قطر در عرصه بین‌المللی ورزش است. پس از میزبانی پاریس در سال ۲۰۲۴، قرار است لس‌آنجلس در سال ۲۰۲۸ و بریزبین استرالیا در سال ۲۰۳۲ میزبان المپیک باشند. انتظار می‌رود پس از این سه دوره، دوباره نوبت به آسیا برسد، مگر آنکه نخستین میزبانی تاریخ در قاره آفریقا رقم بخورد.

قطر طی دو دهه گذشته میزبان ۱۸ رقابت جهانی در ۱۲ رشته المپیکی بوده، از جمله جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲، مسابقات جهانی دوومیدانی، هندبال، شنا، تنیس روی میز و در آینده بسکتبال و تیراندازی.

طبق اعلام این کشور، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، فرودگاه و خطوط هوایی قطر در بالاترین سطح جهانی هستند.

حاشیه

سریع‌ترین ماشین جهان زیر پای سریع‌ترین ستاره

رونالدو و خودروی ۲/۲ میلیون دلاری

کاربران شبکه‌های اجتماعی اخیراً ویدیویی را منتشر کردند که جدیدترین خودروی اسطوره پرتغالی، کریستیانو رونالدو، کاپیتان باشگاه النصر عربستان سعودی را نشان می‌دهد. او در شهر لیسبون با خودروی لوکس «بوگاتی ویرون» دیده شد، جایی که برای چند روزی به همراه خانواده‌اش در پرتغال اقامت داشت.

بر اساس آخرین گزارش‌ها، رونالدو قرار است روز جمعه آینده به اردوی النصر در اتریش بپیوندد. تمرینات تیم از دوشنبه آغاز شده و تحت هدایت مربی جدید، ژورژی ژسوس، آماده فصل جدید می‌شوند.

با این وجود رونالدو در آخرین حضورش در فضای مجازی توجه‌ها را با خودروی فوق‌العاده‌اش جلب کرد؛ خودروی بوگاتی ویرون که قیمت آن حدود ۲,۲ میلیون دلار است. این خودرو را رونالدو در سال ۲۰۱۶، به مناسبت قهرمانی تیم ملی پرتغال در مسابقات جام ملت‌های اروپا خریده بود.

رونالدو به خاطر علاقه زیادش به جمع‌آوری خودروهای لوکس شناخته می‌شود و بوگاتی ویرون یکی از شاخص‌ترین خودروهای مجموعه‌اش است. بوگاتی ویرون یکی از سریع‌ترین خودروهای جهان است که به موتور W۱۶ چهار توربوشارژ مجهز شده و قدرتی معادل ۱۰۰۰ اسب‌بخار تولید می‌کند. با این قدرت، این خودرو می‌تواند سرعتی بیش از ۴۰۰ کیلومتر در ساعت داشته باشد و از حالت سکون به سرعت ۹۶ کیلومتر در ساعت تنها در ۲,۶ ثانیه برسد.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

لغت‌یابی

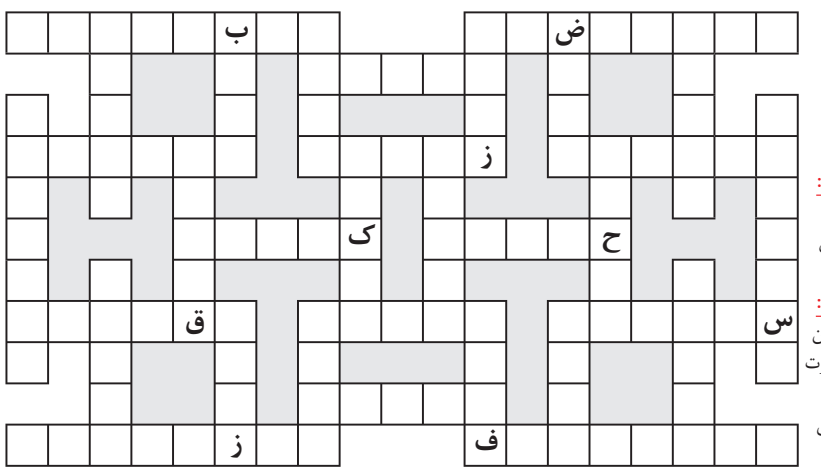

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: اغوز، آکنه، بافه، تموز، تونل، تیتر، ضومر، مصاف

۵ حرفی: اقتدا، الحاد، آلبرت، حس سوم، روزها، زمزمه، کبالت، لعنتی، متبرک

۶ حرفی: مذکور، مزمزه، مستحق، مهارت، نبودن، احتکار، اقاقیا، سدوحدت، همه دان

۷ حرفی: پارامسی، جنگل بان، از بن کندن، اعلی‌حضرت، بلاتکلیف، رجزخوانی

جدول شرح در متن

جدول کلمات متقاطع

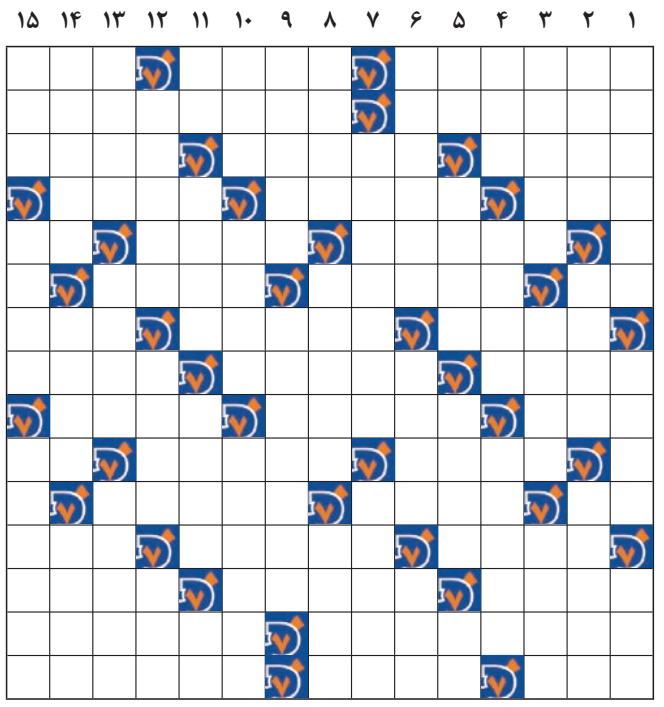

افقی

۱- نامزد و کاندید- ترش و شیرین- پسوند آلودگی
۲- پایتخت زامبیا- رسواشده و گریخته از شرم
۳- فروشنده- درخشان ترین ستاره صور فلکی گاو- پرنده
۴- حیله‌گر- انصاف داشتن- چهره و صورت
۵- کوتاه و ناقص- صف و رسته- زدنی بهانه‌جو
۶- جنس مذکر- آش شلغم- صدای خنده
۷- شهری در سومالی- کار و بار- گنبد و قبه
۸- جعل کننده- همیشگی- دراز و بلند
۹- گوارا- جزیره ای در اندونزی- نامعلوم
۱۰- به عهده گرفتن- ناخوش و مریض- واحد سطح
۱۱- رایگان- در حال دویدن- شکوفه باران
۱۲- الهه تجارت و سفر یونان باستان- مارچوبه- کشت و زرع
۱۳- گوسفند قربانی- داوطلب- به روایت واداشتن
۱۴- کارگردان فیلم میلک- بهبود یافتن زخم
۱۵- صدا زدن- صاحب اختیار- خنده از روی تمسخر

عمودی

۱- فیلمی از ابوالفضل جلیلی- بردنی عروس به خانه‌بخت- نوعی نی
۲- وقت و هنگام- داستان بلند- نقاش مینیاتورساز قرن دهم هجری
۳- حرکت باد یا نسیم- عامه مردم- سران و بزرگان
۴- فرمانبردار- کشف رازی- مارش
۵- اثر چربی- مردان دانا و آگاه- پوست گندم- رطوبت
۶- کنایه از ولخرج- خم شده- باطل کردن
۷- مومن- مخفیانه و پنهانی
۸- هم‌بازی هاردی- یکی از سه موعود زرتشت- چاق و فربه
۹- جلوتر- حزن آور
۱۰- مکان بی‌خطر- پایتخت هندوستان- پیش‌قراول
۱۱- رمق آخر- روش و طریق- یخرفت- قدم یکپا
۱۲- جوک- مازندرانی- دود از آن بلند می شود
۱۳- غلاف شمشیر- پول زیرمیزی- شهری در سوئیس
۱۴- مذاهب- پدر شعر نو- روح و جان
۱۵- نوعی اسب- شایسته- معادل فارسی آپِ تودیت

سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

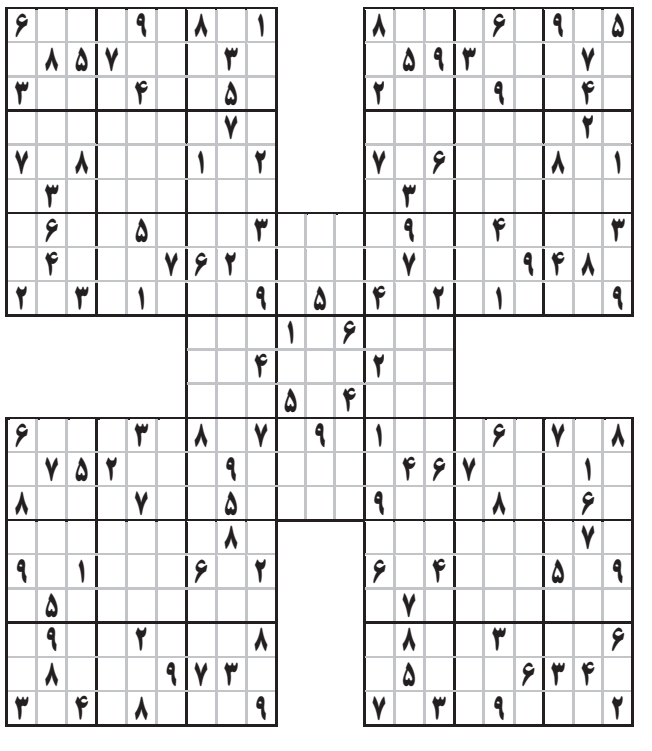

هفت صبح

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
زیر نظر: شورای سردبیری
مدیر هنری: وحید غفاری
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور
دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی
دبیر صفحه آخر: کیوان وارثی
ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۳:۲۵ | طلوع آفتاب: ۰۵:۰۵ | اذان ظهر: ۱۲:۱۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۵ | اذان مغرب: ۱۹:۳۵

اجازه ما بگیم ؟

علیرضا آذر
هفت صبح

استاد فربه معلومات گفت: شعر خوب، واژه‌هاش همدیگه رو می‌فهمن.
جورج اورول گفت: آقا اجازه؟!! تو داستان هم میشه؟ من تصمیم دارم یک داستان بنویسم و برای اینکه فضا کاملا دست مخاطب بیاد از یه طویله و اسب‌ها و گوسفندان و خوک‌ها حرف می‌زنم، از علوفه از پهن و بوی خون... این میشه؟ کلمات من همو می‌فهمن؟!!
شکسپیر غر غر کرد: استاد جمله قشنگی گفتی ولی من نمی‌گیرم یعنی چی؟ مثلاً گل و خار با هم بجوشن؟
استاد گفت: نه. دارم از مراعات نظیر حرف می‌زنم.
یعنی گل با شکوفه، خار با زخم، باران با رود ببینین کلمات قرار نیست با مترادفان خود جمع شوند. قراره از کلماتی استفاده بشه که دی ان ای اون‌ها از یک پدر و مادر مشترک نشات بگیره!.
حافظ ناگهان مثل همیشه همین موقع‌ها با سر پایین زیر لب زمزمه کرد: شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل... کجا دانند حال ما، سبک باران ساحل‌ها
استاد گفت: آفرین. اینا یک خانواده هستند. شعر مثل مهمونی باید باشه که مهموناش با هم غریبه نباشن!
دانته گفت: پس اگه بگم «شمشیر، گل، ترافیک، اشک» مراعات نیست؟
استاد گفت: نه عزیزم! این فقط اغتشاشه.
همه خندیدند. شکسپیر زمزمه کرد: و مثل بعضی آدم‌ها که چون با هم نفس نمیکشن به درد یه سفر نمی‌خورن بعد زیر چشمی نگاه‌ه تاسف باری به ارسطو کرد... ارسطو که حسابی سرخ شده بود آروم غرولند کرد که ترس از ارتفاع دارم بفهم! با ماشین یا قطار بریم خب.

خاطره تصویری

پنجشنبه ۲۸ مهر ۱۳۷۳

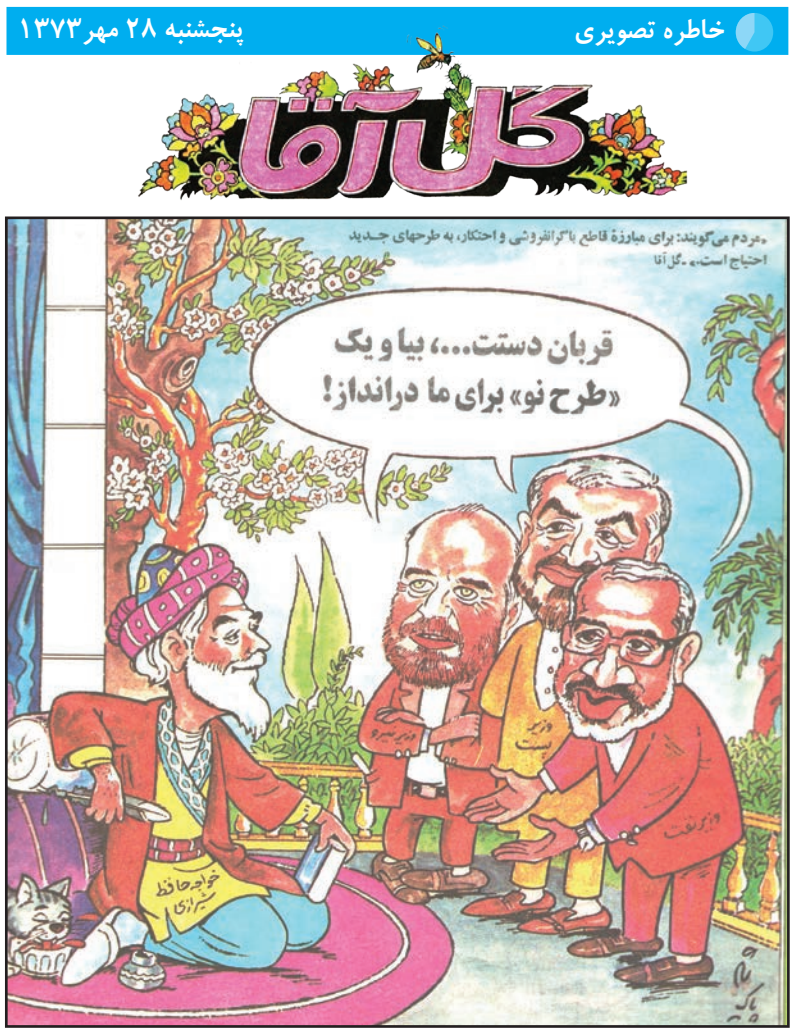

خاطره نوشتاری

پنجشنبه ۲ آبان ۱۳۷۰

سوگند گرانفروش

جمال پول بنازم که یار من این است
مرا ز دشت و چمن اسکناس رنگین به
شکوه زندگی ام تابش تبسم اوست
من از صدای دلاویز سکه سرمستم
مرا ز نشئه ی جانپرورش کند مشعوف
همیشه جیب مرا خرمی ز اسکن باد
مرا به غیر گران دادن ابتکاری نیست
رسیده ام به هزاران کلک به استغنا
به غیر حیله و نیرنگ و مردم آزاری
ز موج حادثه خیز، زمان ندارم باک
نشاط بخش دل بیقرار من این است
بهار من گل من سبزه زار من این است
فروغ دلکش دریا کنار من این است
نوای دکلش ضرب و سه تار من این است
کسی که میبرد از سر خمار من این است
به هر کجا که روم گلعذار من این است
قسم به روی هزاری که کار من این است
نهان نمی کنم و افتخار من این است
زمن مخواه که با او قرار من این است
که ناخدای شهامت شعار من این است

مرز پرگهر

سوباتان

آرشیا محلوجیان
هفت صبح

منطقه ییلاقی سوباتان از جاهای دیدنی شمال در فاصله ۲۰ کیلومتری تالش قرار دارد. این ییلاق پوشیده از چمنزار و گلزار و مملو از چشمه‌های گوارا و دام‌ها و اسب‌هایی است که حس حضور در طبیعت را برایتان دوچندان می‌کنند. کلبه‌های قدیمی با پنجره‌های چوبی‌شان منظره بی‌نظیری به وجود آورده‌اند که تصور چنین منطقه بکری در ایران شاید دور از ذهن باشد؛ به‌خصوص که در آن خبری از دکل برق و آنتن‌های موبایل و آلودگی صوتی نیست. از دیگر جاذبه‌های این منطقه می‌توان به تشکیل اقیانوس ابر اشاره کرد که چشم‌اندازی رویایی خلق می‌کند.

جاهای دیدنی ییلاق سوباتان:
دریاچه نئور
چشمه‌های آب طبیعی سوباتان
دشت های شقایق
ییلاق شکردشت
روستا و آبشار ورزان

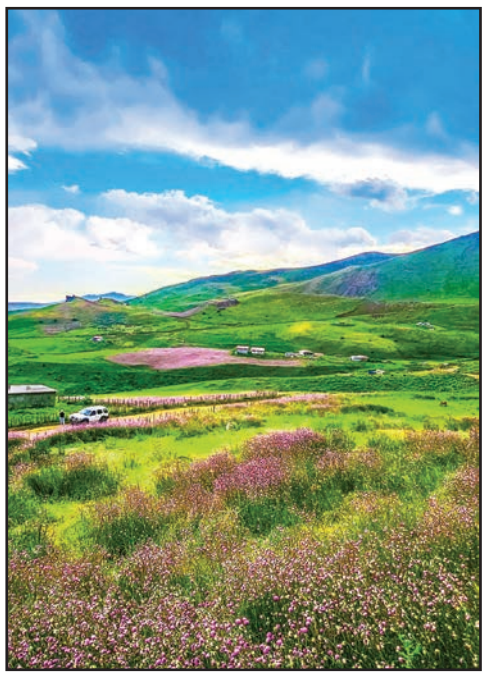

پشت‌نویسی

خستگی از نگاه وقتی توجه کم می‌آید

محمد بلوچ
نویسنده و پژوهشگر

روزگاری خستگی، تنها محصول یک کار بدنی سخت بود؛ امروز اما، ذهن‌هایمان پیش از بدن‌هایمان از پا می‌افتد. خسته‌ایم، نه از کار، بلکه از دیدن، شنیدن، مقایسه کردن، آنلاین بودن. خسته‌ایم، چون بی‌وقفه مصرف می‌کنیم: تصویر، صدا، خبر، آدم‌ها... و بیش از همه، خودمان را.
در دنیایی که نگاه، ارزش دارد و توجه، سرمایه است، ما تبدیل شده‌ایم به سربازانی در میدان جنگ توجه؛ رقابتی که نه صدای گلوله دارد، نه پایان مشخص. فقط یک چیز از آن باقی می‌ماند: فرسودگی روان.

توجه؛ طلای سیاه عصر دیجیتال

اقتصاد امروز، فقط بر پایه نفت و سرمایه مالی نمی‌چرخد؛ یکی از اصلی‌ترین سوخت‌هایش، «توجه انسانی» است. هر اپلیکیشن، هر پلتفرم و حتی هر فرد، برای گرفتن چند ثانیه بیشتر از نگاه ما برنامه‌ریزی شده است. الگوریتم‌ها طوری طراحی شده‌اند که ما را نگه دارند، تحریک کنند، درگیر کنند.
در این اقتصاد، زمانِ توجه ما فروخته می‌شود؛ گاهی به برندها، گاهی به ایده‌ها، گاهی به توهم موفقیت دیگران. ما به‌جای اینکه انتخاب کنیم چه ببینیم، مدام به آنچه انتخاب شده نگاه می‌کنیم.

فرسودگی روان در عصر توجه

فرسودگی روانی نوعی خستگی عمیق ذهنی عاطفی است که از مصرف مداوم منابع روانی بدون فرصت بازسازی به‌وجود می‌آید. وقتی به‌طور مداوم در معرض اطلاعاتی هستیم که با احساساتمان بازی می‌کند از فقر و جنگ تا زیبایی و موفقیت دیگران ذهن ما قدرت اولویت‌بندی و ترمیم را از دست می‌دهد. ما از آنچه نمی‌توانیم تغییرش دهیم فرسوده می‌شویم و خجالت‌زده از آنچه باید باشیم اما نیستیم. شبکه‌های اجتماعی ترکیبی از این دو را دائماً جلوی چشمان ما می‌گذارند.

دیده شدن به قیمت ندیدن خود

در جهانی که همه در حال تولید محتوا هستند، مرز بین زندگیِ واقعی و نمایش، روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود. ما دیگر صرفاً زندگی نمی‌کنیم؛ آن را «ارائه» می‌کنیم. هر پست و استوری، آینه‌ای ست که از ما می‌خواهد بهتر، خوشحال‌تر، موفق‌تر، جذاب‌تر به‌نظر برسیم.
اما در این رقابت برای دیده شدن، چیزهایی از ما جا می‌ماند: خلوت، سکوت، عمق، و شاید خودِ ما.
خودشیفتگی دیجیتالی، یا دقیق‌تر بگوییم «خودارزانیِ نمایشی»، موجب می‌شود برای چند لایک بیشتر، بخشی از هویت‌مان را خرج کنیم. این همان نقطه‌ای ست که «توجه»، نه تنها ما را تغذیه نمی‌کند، بلکه ما را تحلیل می‌برد.

ما، نادیده مانده‌ایم

بسیاری از ما آن‌قدر دیگران را دیده‌ایم که خود را از یاد برده‌ایم. ما نادیده مانده‌ایم، نه به این معنا که دیگران به ما بی‌توجه‌اند، بلکه به این معنا که خودمان از مراقبت از خویش غافل شده‌ایم.
روان‌شناسان معتقدند مصرف بیش از حد رسانه، به‌ویژه بدون هدف و با الگوهای الگوریتم‌محور، می‌تواند به کاهش توان تنظیم هیجان، افزایش اضطراب، و تخریب تصویر ذهنی فرد از خودش منجر شود.

راهی برای ترمیم

در این هیاهو، شاید لازم باشد دوباره «کمتر دیدن» را یاد بگیریم. سکوت، بی‌خبری موقت، و گاهی «نبودن»، می‌تواند نوعی حضور سالم در خود باشد. ما نیاز داریم مرزهایی برای ذهن‌مان بسازیم؛ جایی که نگاه‌مان صرفاً ابزار مصرف نباشد، بلکه ابزار درک، تأمل و رشد باشد.
این به معنای ترک کامل شبکه‌های اجتماعی نیست، بلکه یعنی بازی را از دست پلتفرم‌ها دربیاوریم و دوباره خودمان کنترل را به‌دست بگیریم. مثل این است که از تماشاگرِ منفعل، به کارگردانِ هوشیار بدل شویم.

جمع‌بندی: خستگی حق ما نیست

توجه ما سرمایه است، نه صرفاً منبع درآمد دیگران. اگر خسته‌ایم، اگر احساس می‌کنیم ذهن‌مان در حال دود کردن است، شاید وقتش رسیده به خودمان احترام بگذاریم.
ما باید دوباره نگاه‌مان را مال خودمان کنیم. نگاه کنیم، نه فقط برای مصرف، بلکه برای کشف. برای زندگی.

سخن تصویری

طرح: کیوان وارثی

کاریکلماتور

برای گربه تحقیرآمیز است که با مرگ موش خودکشی کند.

پرویز شاپور

طراحان و آثار ماندگار

چرا برندهای لاکچری، لوگوی خود را بی‌روح و مینیمال کرده‌اند؟

مریم برادران
هفت صبح

اگر نگاهی به برندهای مشهور دنیای مد در دهه گذشته بیندازید از بالنسیاگا گرفته تا سن لوران، بوربری، بالمن و حتی گوچی یک تغییر مشترک به چشم می‌خورد: همه به سمت طراحی لوگویی ساده، تخت، و بی‌احساس رفته‌اند؛ تایپ‌فیس‌های یکسان، حروف بزرگ، بدون تزئین و بدون هیچ امضای شخصی. این پدیده را طراحان گرافیک به‌طعنه «Blanding» (برندینگ بدون هویت) می‌نامند؛ مسیری که برخلاف گذشته، در آن برندها به‌جای متمایز بودن، به سمت شباهت با یکدیگر می‌روند.
پرسش اینجاست: چرا؟ چه چیزی پشت این مینیمالیسم بی‌هویت پنهان است؟
پاسخ در ترکیبی از اقتصاد دیجیتال، ترندهای طراحی UI/UX، و استراتژی بازار جهانی نهفته است. با گسترش فروش آنلاین، برندهای لوکس تلاش کردند تا لوگوهایی طراحی کنند که در اندازه کوچک، روی موبایل، در اپلیکیشن‌ها و شبکه‌های اجتماعی، خوانا و کاربردی باشند. فونت‌های کلاسیک، فرم‌های خاص و لوگوهای دست‌نویس، گرچه شخصیت داشتند، اما در فرمت دیجیتال کاربردی نبودند.
از سوی دیگر، مینیمالیسم هم‌چنان به‌عنوان ترند غالب در طراحی جهانی باقی مانده. این سبک در عین سادگی، حس مدرن، گران‌قیمت و «تمیز» القا می‌کند حتی اگر هویت برند را تهی کرده باشد. برندها در رقابت با یکدیگر، سعی می‌کنند چیزی را از دست ندهند، و همین باعث شده بسیاری به طراحی‌هایی شبیه به هم پناه ببرند.
با این حال، موجی از انتقادها هم‌زمان شکل گرفته: آیا این ساده‌سازی افراطی، برندها را بی‌چهره نکرده؟ آیا لوگوی بدون شخصیت، هنوز می‌تواند احساسات، تاریخچه یا فرهنگ بصری یک برند را منتقل کند؟ بسیاری معتقدند این مسیر ممکن است در بلندمدت به فراموش‌شدن برندها و از بین رفتن تمایز بصری منجر شود. در نهایت، این موج مینیمال‌سازی، بیش از آنکه یک انتخاب طراحی باشد، بازتابی از جهان یکنواخت، دیجیتالی و بی‌مرز امروز است؛ دنیایی که در آن تفاوت، اغلب به نفع کارایی قربانی می‌شود.

YVES SAINT LAURENT → SAINT LAURENT
BURBERRY London, England → BURBERRY LONDON ENGLAND
GUCCI → GUCCI

تصویر فرنگی

طرح: موسی گومش، کشور ترکیه